



Assyrian cultural history, from politics of memory to politics of the archive (A Case Study of the cultural trauma of World War I)

Amir Armin¹ | Ali Khanmohammadi²

1. Department of cultural studies, faculty of social sciences, Allameh Tabatabayi University, Tehran, Iran.,

E-mail: armin.amir@atu.ac.ir

2. Department of cultural studies., Social Science, Allameh Tabatabai University: Tehran, Iran.

E-mail: ali1992khanmohammadi@gmail.com

Article Info	ABSTRACT
<p>Article type: Research Article</p> <p>Article history: Received 26 February 2021 Received in revised form 3 December 2021 Accepted 2 September 2023 Published online 20 September 2023</p> <p>Keywords: Politics of memory, Politics of the Archive, Missionary, Archives, Historian.</p>	<p>Shortly after the cultural traumas occur, the politics of memory evolves among cultural groups/nations involved. This policy has had a profound effect on the thoughts and memories of different segments of the population, especially historians. On the other hand, every king and ruler considers part of his cultural power to create and control archives.</p> <p>Uremia massacre in the First World War, global collective trauma & major global cultural trauma, and the most important Memorial Day among all the Assyrian Diaspora. The present study explores the different narratives of the Uremia Massacre recorded by the Iranian and foreign priests, soldiers, missionaries and diplomats. The narratives of this suffering can be classified into three categories: humiliating, hostile, and moderate. The humiliating narrative of the Muslims, the narration of the middle Kurds and the Ottoman armies, the narrative of the hostile Assyrians, Armenians and the Russian and British armies are portrayed as evil. In these narrations, they were accompanied by deceived, defenseless, infidel and mercenary codes. In fact, the Assyrians are even subalter to the Jews in terms of the social, economic, and cultural level of their communities & Diasporas. On the other hand, Governments are responsible for the massacre and are taking extensive measures to collective amnesia about the cultural trauma. These factors have led to the continuation of the evil-based politics of the memory and the elimination-based politics of the archive in relation to their identities.</p>

Cite this article: Armin, A.&Khanmohammadi, A. (2023). Assyrian cultural history, from politics of memory to politics of the archive (A Case Study of the cultural trauma of World War I) ... *Sociological Review (Social Science Letter)*, 30 (1), 447-469.

Doi: <http://10.22059/JSR.2023.319737.1620>

تاریخ فرهنگی آشوریان، از سیاست حافظه تا سیاست بایگانی (مطالعه موردی ضایعه‌های فرهنگی جنگ جهانی اول)

امیر آرمین^۱ علی خانمحمدی^۲۱. گروه مطالعات فرهنگی، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه علامه طباطبائی؛ تهران، ایران. رایانامه: armin.amir@atu.ac.ir۲. گروه مطالعات فرهنگی، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه علامه طباطبائی؛ تهران، ایران. رایانامه: ali1992khanmohammadi@gmail.com

اطلاعات مقاله	چکیده
<p>نوع مقاله: مقاله پژوهشی</p> <p>تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۱۲/۰۸</p> <p>تاریخ بازنگری: ۱۴۰۰/۰۹/۱۲</p> <p>تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۶/۱۱</p> <p>تاریخ انتشار: ۱۴۰۲/۰۶/۲۹</p> <p>کلیدواژه‌ها: سیاست حافظه، سیاست بایگانی، مبلغ مذهبی، بایگانی، تاریخ‌نگار.</p>	<p>مدتی کوتاه پس از رخداد ضایعه فرهنگی، سیاست حافظه دیگرگریز میان گروه‌های فرهنگی/ملل درگیر ایجاد می‌شود. این سیاست در افکار و حافظه اقشار مختلف مردم بالاخص تاریخ‌نگاران تاثیرات عمیقی بر جای می‌گذارد. از طرفی، هر پادشاه و حاکمی بخشی از قدرت فرهنگی خویش را در ایجاد و کنترل بایگانی می‌داند.</p> <p>کشتار ارومیه در جنگ جهانی اول، ضایعه فرهنگی جهانی و مهم‌ترین روزهای یادبودی در میان تمامی جوامع دور از وطن آشوری است. مقاله کنونی روایت‌های مختلفی که توسط کشیشان، نظامیان، مبلغان و دیپلمات‌های ایرانی و خارجی از کشتار ارومیه نگاشته شده را مطالعه می‌کند. روایت‌های این رنج را براساس مقصران در سه دسته خوارانگارانه، دشمن‌انگارانه و میانه می‌توان تقسیم‌بندی کرد. روایت خوارانگار مسلمانان، روایت میانه کردها و سپاهیان عثمانی، روایت دشمن‌انگار آشوریان، ارامنه و سپاهیان روس و انگلیس را شر نمایش می‌دهد. در این روایت‌ها آنان با رمزگان‌های فریب‌خورده، بی‌دفاع، کافر و مزدور هم‌نشین شدند. در حقیقت، آشوریان از نظر سطح اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی اجتماعات و جوامع دور از وطن حتی فرودست‌تر از یهودیان هستند. از طرف دیگر، دولت‌ها مقصر کشتار برای فراموشی جمعی ضایعه فرهنگی اقدامات گسترده و زیادی می‌کنند. این عوامل باعث تداوم سیاست حافظه مبتنی بر شر و سیاست بایگانی مبتنی بر حذف در رابطه با هویت آنان شده است.</p>

استناد: آرمین، امیر و خانمحمدی، علی. (۱۴۰۲). تاریخ فرهنگی آشوریان، از سیاست حافظه تا سیاست بایگانی... مطالعات جامعه‌شناختی (نامه علوم اجتماعی)، ۳۰ (۱)، ۴۶۹-۴۴۷.



© نویسندگان.

ناشر: مؤسسه انتشارات دانشگاه تهران.

Doi: <https://doi.org/10.22059/JSR.2023.319737.1620>

مقدمه

سیاست حافظه را نباید مفهوم انتزاعی دانست. این سیاست در تک تک یادبودهای ملی، قومی و دینی جاری است. سیاستی که با یادبودسازی، تاریخ تازه‌ای را برمی‌سازد. اما چگونه این تاریخ را در اذهان مردم زنده نگه دارند. این سازمان‌ها با برپایی جشن، سوگواری، موزه، حافظه‌ای خویش فقط چند دهه می‌توانند این تاریخ را در اذهان مردم زنده نگه دارند. این سازمان‌ها با برپایی جشن، سوگواری، موزه، راهپیمایی، شادپیمایی^۲ و سفارش مجسمه و نمایش‌های شهری این تاریخ را به یادآوری می‌کنند. این آیین‌ها و مصنوعات تا مجریان و سفارش‌دهندگان آن زنده و با اعتبار هستند، ادامه حیات می‌یابند. در نتیجه، جاودانگی تاریخ‌سازی چگونه ممکن می‌شود؟ یکی از راه‌های جاودانگی، تولید و اداره کتاب‌ها و بایگانی‌های تاریخی است. از ادوار پسااسلام تاریخ ایران اغلب پادشاهان قدرقدرت-کنایه از خودکامه- حق چاپ و مالکیت کتاب را با ایجاد کتابخانه و کتابخانه سلطنتی در انحصار خویش نگه می‌داشتند (آژند، ۱۳۹۱؛ آتابای، آذر، ۱۳۵۵؛ همایونفرخ، ۱۳۴۷). این انحصار به تولید بایگانی با جهت‌گیری خاص مرامی، عقیدتی، باوری منجر می‌شود. از این‌رو که بایگانی ستون فقرات اغلب متون تاریخی هستند. در نتیجه با انباشتی از متون تاریخی با جهت‌گیری خاص مواجه می‌شویم. این منابع تاریخی همانا تاریخ رسمی ملت‌ها، اقوام و ادیان است. دانش-قدرت این تاریخ، تاریخ ساختگی را نامیرا کرده است. سیاست بایگانی، سیاستی است که بایگانی‌ها با جهت‌گیری خاص را برمی‌سازد. این سیاست تاریخ ساختگی را به «یکی هست و هیچ نیست جز او»^۳ بدل می‌کند.

ضایعه‌های جمعی از کشتار، نسل‌کشی، جنگ، بمباران اتمی و شیمیایی تا مصائب طبیعی چون زلزله، سیل، تندباد و طوفان و حتی مصائب صنعتی چون نشت اورانیوم و گازهای سمی همواره موقعیت‌های دردناکی میان دو گروه قربانی و مقصر ایجاد کرده است. گروه‌هایی که مقصر قلمداد می‌شوند با سیاست حافظه خود در تلاش‌اند که این ننگ و شرم تاریخی را فرافکنی کنند. از طرف مقابل، گروه‌های قربانی با سیاست حافظه خویش با به یادآوری^۴ ضایعه در تلاش‌اند که هویت جمعی خود را تقویت کنند. برخی از این موقعیت‌ها با پشتیبانی سیاست بایگانی دول، اقوام و ادیان جاودانه می‌شوند. کشتار یهودیان و «آشویتس»^۵ یکی از نمونه‌های امروزی و عالی آن است. به درستی «شعر سرودن پس از آشویتس وحشیانه و به دور از تمدن و فرهنگ است» (ریلک، سلان، ۱۳۸۳: ۲۴۶). این کشتار نه تنها فرهنگ، بلکه جامعه علمی را تکان داد. این جراحت در سرتاسر دنیا با برگزاری یادواره، نگارش کتب مختلف علمی و ادبی، ساخت آثار نمایشی و حتی مجلات علمی پژوهشی^۶ پاسداشت شده است (آگامبن، ۱۳۹۸؛ موریس (الف)، ۱۳۹۸؛ موریس (ب)، ۱۳۹۸؛ آدورنو، آرنه، ۱۳۹۶؛ فورسون، ۱۳۹۶؛ Alexander, 2013; ۱۳۹۶) آثار نمایشی در مورد این کشتار یک لیست بلندبالا است که بیست اثر از جمله «کاپو» (۱۹۶۰ میلادی)، «بازی برای زمان» (۱۹۸۰ میلادی)، «فروشگاه در خیابان اصلی» (۱۹۶۵ میلادی)، «کشتی پر است» (۱۹۸۱ میلادی)، «شوآ» (۱۹۸۵ میلادی)، «بیا و ببین» (۱۹۸۵ میلادی)، «فرار از سوبیبور» (۱۹۸۷ میلادی)، «کورچاک» (۱۹۹۰ میلادی)، «انتخاب سوفی» (۱۹۸۲ میلادی)، «خداحافظ بچه‌ها» (۱۹۸۷ میلادی)، «اروپا اروپا» (۱۹۹۰ میلادی)،

1. Ideology

2. Carnival

۳. بیتی از ترجیع‌بند «که یکی هست و هیچ نیست جز او» از دیوان اشعار هانف اصفهانی است.

4. Remembering

5. Auschwitz

۶. مجلات علمی-پژوهشی چون مطالعات هولوکاست (مجله‌ای در فرهنگ و تاریخ) (Holocaust Studies: A Journal of Culture and History)، آموزش هولوکاست (The Journal of Holocaust Education)، بریتانیایی آموزش هولوکاست (British Journal of Holocaust Education)، هولوکاست و مطالعات نسل‌کشی (Holocaust and Genocide Studies) منتشر می‌شود.

«فهرست شیندلر» (۱۹۹۳ میلادی)، «زندگی زیباست» (۱۹۹۷ میلادی)، «جدا از هم شکست می‌خوریم» (۲۰۰۰ میلادی)، «بیانیست» (۲۰۰۲ میلادی)، «جا‌اعلان» (۲۰۰۷ میلادی)، «پسری با پیژامه راه راه» (۲۰۰۸ میلادی)، «در تاریکی» (۲۰۱۱ میلادی)، «برهنه میان گرگ‌ها» (۲۰۱۵ میلادی) «پسر شائول» (۲۰۱۵ میلادی) افتخارات هنری جهانی را کسب کردند. اما جامعه فرهنگی و علمی در مواجهه با ضایعه‌های جمعی منطقه خاورمیانه در جنگ جهانی اول بالاخص کشتارهای مسیحیان ارمنی و آشوری سکوت سرد و دردناکی را در پیش گرفتند. از این جراحات‌ها حتی یک اثر نمایشی ساخته نشده است. ردپای این جراحات‌ها فقط در کتب تاریخی سیاحان و مبلغان مذهبی و اسناد دولتی می‌توان یافت. از طرفی، تمامی ابعاد این جراحات‌های دردناک که باعث آوارگی و بی‌سرزمینی خیل عظیمی از ارامنه و آشوریان آذربایجان شده در این منابع روایت نمی‌شود. انگار نیروی بیرونی تنظیم‌کننده‌ای مانع به یادآوری جمعی و روایت گسترده آن می‌شود. تلاقی سیاست حافظه و بایگانی در این جراحات به وضوح دیده می‌شود. اما برای فهم بهتر این تلاقی باید ابعاد اجتماعی، تاریخی و فرهنگی این جراحات را جست‌وجو کرد.

جنگ جهانی اول در منطقه خاورمیانه آتش کین و کشتار را در میان جامعه چند دینی، زبانی و قومی ایران برافروخت. این آتش تمامی روابط قدرت گذشته را از جمله دولت مرکزی مختل کرد. از طرفی، دول عثمانی با ادعای اسلام‌دوستی، روسیه و بریتانیا با ادعای مسیحیت دوستی، شمال غرب ایران را عرصه تاخت‌وتاز خویش کردند. این وقایع روابط هم‌زیستانه میان مسلمانان با مسیحیان و ترک‌ها با آشوریان و ارامنه را برهم زد. چهار ضایعه فرهنگی هم‌زمان کشتار آشوریان، قحطی بزرگ دوم (۱۲۹۶-۱۲۹۸ هجری خورشیدی)، کشتار بومیان ترک‌زبان آذربایجان توسط جیلوها و کشتارهای کردها توسط نظامیان عثمانی و ایرانی، سرانجام شوم این تاخت‌وتازها در خاک ایران بود. سرنوشت اجتماع آشوریان از سایر گروه‌ها دهشتناک‌تر بود. با وجود مقاومت‌های آنان در مقابل قدرت‌های داخلی و خارجی، تقریباً نصف جمعیت این اجتماع در خاورمیانه از میان رفتند. بسیاری از دختران و زنان آشوری برای بردگی به خاک عراق، ترکیه و شام برده شدند. بربریتی که اجتماع آشوریان در خاک ایران تجربه کرده‌اند، نمی‌توان زیر ورق‌های کتاب‌های تاریخی مدفون نگه داشت. ردپای «کشتار ارومیه» را نه تنها در حافظه جمعی این اجتماع کوچک، بلکه در حافظه ملی یا رسمی ایران (خاطرات رجال سیاسی و اسناد دولتی) می‌توان یافت (بیات، ۱۳۹۳؛ کتابی، ۱۳۹۳؛ ملک‌زاده، ۱۳۹۳؛ ملک‌زاده و همکاران، ۱۳۹۲؛ مجد، ۱۳۸۶؛ کتابی، ۱۳۹۱؛ مک‌داول، ۱۳۸۳؛ کینان، ۱۳۹۰؛ کسروی، ۱۳۸۴؛ Akçam, 2007; Ghassemlou, 1965; Khosroeva, 2017; Riggs, 1997; Stafford, 2006; Travis, 2010; هم‌چنین، آشوریان با برگزاری یادواره این کشتار طی یکصدواندی سال در شهرهای ارومیه، تهران و جوامع دور از وطن آنان در آمریکا، سوئد و آلمان یاد آن را در حافظه جمعی خویش زنده نگه می‌دارند) (Shoumanov, 2001; Donabed, & Donabed, 2006; BetGivargis_McDanie, 2007; Assyrian Universal Alliance, 2018). این جراحات با ثبت در تقویم جهانی آشوریان به یکی از مبدهای تاریخ معاصر آنان هم بدل شده است (Travis, 2010). چندین کشور از جمله سوئد و آلمان به رسمیت شناخته شده است. این «ضایعه جمعی» نه تنها مبدایی برای هویت آشوریان در حافظه فرهنگی گروه‌های فرهنگی/ملل دیگر، بلکه مجامع بین‌المللی هم شده است.

در کنار اهمیت و تاثیرگذاری این جراحات در تاریخ معاصر ایران، باید به جنبه‌های حافظه‌ای آن هم توجه کرد. از این منظر با وجود این‌که هم‌زمان چندین ضایعه جمعی جنگ جهانی اول در خاورمیانه رخ داده است، اما باید این جراحات‌ها را جداگانه تحلیل کرد. به دلیل این‌که، در نگارش هر منبع تاریخی ارزش و باورهای نویسندگان‌اش دخیل است. هر نویسنده‌ای عضو یک یا چند گروه فرهنگی هستند. در نتیجه، کتاب‌های تاریخی بخشی از افکار عمومی گروه‌های فرهنگی/ملل آن دوره است. از طرفی، هر ضایعه فرهنگی یک گروه در متون گروه‌های دیگر پنهان شده است. از این رو، ردیابی این رویدادها باعث فهم چگونگی تاثیر ضایعه

فرهنگی بر روایت‌های حک شده در افکار عمومی، حتی رمزگشایی ساخت هویتی گروه‌های فرهنگی/املل درگیر می‌شود. در حقیقت، جراحت «کشتار آشوریان» به خاطر پیچیدگی بازیگران دخیل و قدرت یادوارگی آن در میان آشوریان برای پژوهش برگزیده شده است. کشف این پیچیدگی‌ها و روابط با پاسخ‌دادن به سوالات زیر از درون منابع تاریخ خاورمیانه و ایران در جنگ جهانی اول به زبان‌های فارسی، کردی و سریانی ممکن خواهد شد.

۱. آشوریان چگونه در منابع تاریخی (افکار عمومی) برساخته شده‌اند؟
۲. تاثیر سیاست حافظه بر بساخت آشوریان در منابع تاریخی چیست؟
۳. تاثیر سیاست بایگانی بر بساخت آشوریان در منابع تاریخی چیست؟
۴. تاثیر ضایعه‌های فرهنگی بر بساخت آشوریان در منابع تاریخی چیست؟

پیشینه پژوهش

کشتار و نسل‌کشی هر ضایعه جمعی دهشتناکی موضوع مطالعه تاریخ بود. کتب روایت‌گر این وقایع به خاطر انزجار شدید مردم از مجرمان کشتار، در بایگانی‌های کتابخانه‌ها خاک می‌خورد. یادآوری این رخدادها در انحصار دولت‌ها بود و منابع روایت‌گر آن به نوعی مرامی و باوری بود. هالبواکس و سایر جامعه‌شناسان نوین دغدغه بررسی مسائل شرم‌آور و وحشتناک را نداشتند. نباید از یاد برد که از میان این بنیان‌گذاران فقط تئودور آدرنو در جستار با عنوان موزه والری پروست^۱ و حافظه آیلچندورف دغدغه‌های مطالعه ضایعه جمعی را نشان داده است (Olick, Vinitzky-Seroussi, & Eds, 2011; Stepto, Adorno, & Adorno, 2010;)؛ آدرنو، آرنه، (۱۳۹۶).

جفری سی الکساندر با طرح برنامه قوی فرهنگی نه تنها از آغازگران این نوع پژوهش‌ها بود، بلکه جان دوباره‌ای به پژوهش‌های دورکیم و هالبواکس داد. او با راه‌اندازی مرکز جامعه‌شناسی فرهنگی دانشگاه ییل، آثار نظری زیاد و شاگردان مهم و تاثیرگذار از خود باقی گذاشته است. الکساندر در دو مجموعه مقالات و یک کتاب در میان آثارش به طور مستقیم تحلیل‌های توامان تاریخی و نظری در مورد ضایعه جمعی و فرهنگی ارائه کرده است. در این مجموعه‌ها که به همت وی و رونالد آیمن گردآوری شده است، نویسندگان مختلفی از اعضای برنامه قوی فرهنگی و خارج از آن قلم زده‌اند. در این کتاب‌ها تحولات حافظه‌ای مناطق مختلف دنیا بررسی شده است. در میان این کتب مطالعه آلمان پس از نازی، لهستان کمونیستی پس از کشتار کاتین و ژاپن پس از امپراتور شووا نمونه‌های خوبی از حافظه پساکشتار ارائه شده است (Alexander, Eyerman, & Ed, 2004; Eyerman, Alexander, & Breese, 2015). کتاب ضایعه جمعی (یک نظریه اجتماعی، دیدگاه دورکردن ضایعه) یکی دیگر از کتاب‌های الکساندر در شاخه مطالعات حافظه و جامعه‌شناسی احساسات است. در این کتاب یک مطالعه نظری و تاریخی همزمان نظری نویسنده کشتار نانجینگ و هولوکاست با روش نشانه‌شناسی بررسی شده است (Alexander, 2013). آثار الکساندر نمونه‌های خوبی برای مطالعه جامعه‌شناسی فرهنگی در مورد شرهای اجتماعی است.

جفری کی اولیک یکی از شاگردان الکساندر در دانشگاه ییل بود. اولیک با بازخوانی آثار آدرنو بنیان‌های انتقادی مطالعات حافظه را احیا کرد. او با تاسیس انجمن مطالعات حافظه^۲ در راه نهادینه کردن مطالعات حافظه، قدم‌های بزرگی برداشت. در یکی از مجموعه

1. "Valéry Proust Museum" and "In Memory of Eichendorff

2. Memory Studies Association، برای کسب اطلاعات بیشتر به نشانی زیر مراجعه بفرمائید.

<https://www.memorystudiesassociation.org/>

مقالات با عنوان دولت و حافظه (پیوستگی‌ها، منازعات و دگرگونی در پس‌نگری ملت) که به همت وی گردآوری شده است، ارتباط دولت‌ها و حافظه مطالعه شده است. در این کتاب دو بخش با عنوان «عادی‌سازی گذشته به چه معناست؟ (خاطره رسمی در سیاست آلمان از سال ۱۹۸۹)» و «نهایت در دوران پساجنگ (ژاپن در آغاز هزاره)» سازوکارها و اقدامات دولت و دولت‌مردان آلمان غربی و ژاپن در مواجهه با مسئولیت شکست‌های بزرگ را تحلیل کرده است. این شکست‌ها همراه با ساخت ضایعه‌های فرهنگی عدیده‌ای چون کشتار جمعی توسط بازندگان جنگ بوده است (Olick, Adams, & Eds, 2003). اولیک در بیشتر آثارش بر تبعات مواجهه دولت و مردم آلمان با شکست بزرگ تمرکز داشته است. این شکست نه تنها کشتار یهودیان، لهستانی‌ها، دیوانگان و بیماران، بلکه شرمساری و سرشکستگی اجتماعی بزرگ برای چند نسل به همراه داشته است. او در دو کتاب خویش با عنوان «گناهان پدران آلمان، حافظه و روش» و «سیاست افسوس در حافظه جمعی و مسئولیت تاریخی» نحوه مواجهه مردم و حکومت آلمان را با این شرمساری‌ها بررسی کرده است (Olick, 2016; Olick, 2013). آثار اولیک افق‌های انتقادی پیش‌روی مطالعات حافظه گشوده است.

برنهارد گیزن یکی دیگر از همکاران و اعضای برنامه قوی فرهنگی است. این جامعه‌شناس آلمانی حوزه جامعه‌شناسی فرهنگی و روان‌شناسی اجتماعی که چندین کتاب در زمینه‌ای تحولات حافظه‌ای پس از آلمان نازی به زبان انگلیسی و آلمانی نگاشته است. در ادامه، دو کتاب از مهم‌ترین آثار وی بررسی شده است. او در دو کتاب خویش با عنوان‌های «پیروزی و ضایعه جمعی» و «جراحت مجرم (حافظه ملی در گفتمان عمومی)» به بررسی مجادلات حافظه ملی با افکار عمومی بر سر سهم مردم و دولت-ملت در ضایعه‌های جمعی دوران نازی است. حکومت آلمان غربی در تلاش است که دولت ملت و هویت ملی از ننگ‌های دوران نازی را تطهیر کند. از طرفی، فرهنگ قهرمان‌پرور پیشاجنگ در افکار عمومی پساجنگ آلمان زوال یافته است. این اتفاق پاسخ قربانیان بی‌صدا - همان افکار عمومی - به سکوت در مقابل این ضایعه‌های جمعی است. این زوال و دوگانگی در یادبودها، آیین‌ها تا افکار عمومی بررسی شده است. کهن الگوی قهرمان کلاسیک رنگ باخته است و کهن الگوی قهرمانان تراژیک^۱ در آلمان پساجنگ سربرآورده است. این دو کتاب آلمان سال‌های ۱۹۴۵ میلادی تا ۲۰۰۰ میلادی را مطالعه کرده است (Giesen, & Eisenstadt, 2015; Schneider, 2004). آثار گیزن به دلیل وجود دیدگاه جامع‌نگری که سطح تحلیل خرد را با کلان ارتباط داده است، مطالعات بینارشته‌ای را در مطالعات حافظه تقویت کرد.

برای فرجام بحث به مهم‌ترین آثار محققان خارج از برنامه قوی در مورد کشتار و نسل‌کشی اشاره می‌شود. پاتریک فنی در کتابی با عنوان «به یادآوری، جاده‌ای به جنگ جهانی دوم» مواجهه دولت‌های آلمان، ایتالیا، بریتانیا، فرانسه، ژاپن و شوروی را با ضایعه‌های فرهنگی جنگ جهانی دوم بررسی کرده است (Finney, 2010). فنی یک نمونه ریزبینانه از مطالعه دولت‌پژوهی در ضایعه فرهنگی ارائه داده است.

جانن جاکوب در کتاب «یادبودسازی هولوکاست» به چالش‌های یک محقق زن در مواجهه با یک کشتار جمعی بحث می‌کند. بستر این بحث‌ها کشتار آشویتس است. وی توضیح می‌دهد چگونه در شرهای برساختی از این حوادث زنان نادیده گرفته می‌شوند (Jacobs, 2010). این کتاب برای نگرش زن‌نگر در بررسی ضایعه‌های فرهنگی راهگشا است.

دونالد بلوخام، در کتاب نسل‌کشی در دادگاه (محاکات جنایات جنگی و شکل‌گیری تاریخ و حافظه هولوکاست) به بررسی ریشه‌های سیاست‌های مجازات در اروپا می‌پردازد. این مطالعه در خلال بررسی بازخوردهای افکار عمومی در مقابل دادگاه جنایت جنگی و اسناد دادگاه است. کتاب موفقیت دادگاه جنایات جنگی در ترسیم مرزهای جنایت جنگی در افکار عمومی را به پرسش

کشیده است (Bloxham, D., & Kushner, 2001). بلوخام در این کتاب یک نهاد قضایی را به نهاد حافظه‌ای بدل کرده است. کتاب نسل‌کشی در دادگاه می‌تواند زمینه‌ای تازه در مطالعات حافظه و سیاست بایگانی ایجاد کند.

مایا زه‌فوس، در کتاب زخم‌های حافظه (سیاست جنگ در آلمان) به مجادلات حافظه‌ای آلمان نازی و پسانازی در میان مردم، دولت و جامعه مدنی بر سر جنایات دوران نازی پرداخته است. زه‌فوس ناتوانی‌های جامعه مدنی آلمان و فرار مردم از قبول مسئولیت شرم اجتماعی را بزرگترین تسریع‌کننده‌های سازوکار فراموشی دوران نازی می‌داند (Zehfuss, 2007). در حقیقت، این سازوکار موردپسند حکومت آلمان غربی بوده و مردم با آن همراهی کردند. این کتاب افق‌های تازه‌ای پیش‌روی بررسی سیاست بایگانی می‌گشاید.

مجموعه مقالاتی با عنوان حافظه و قدرت در اروپای پساجنگ (مطالعات حضور گذشته) به همت یان-ورنر مولر گردآوری شده است. این مجموعه در پانزده فصل سیاست‌های حافظه کشورهای اروپایی از اوکراین کمونیستی تا فرانسه در قلب بلوک غرب می‌پردازد. در مقالات این مجموعه مسائل جنگ داخلی یوگسلاوی، بوسنی و هرزگوین و جنگ سرد پرداخته است. یکی از مقالات این مجموعه با عنوان «ظهور و میراث تقسیم شده حافظه (آلمان و هولوکاست پس از ۱۹۴۵)» به تحولات حافظه آلمان پساجنگ در مقابل هولوکاست می‌پردازد (Müller, & Mueller, & Eds, 2002). این کتاب به ایجاد یک افق مشترک از حافظه‌های پساجنگ در دولت-ملت‌های اروپایی کمونیستی و پس از آن کمک می‌کند.

کتاب یا مقاله‌ای به زبان فارسی درباب معرفی یا نقد دیدگاه‌های سیاست بایگانی منتشر نشده است. اما به نظر می‌رسد که مورخان و محققان در تمامی شکست‌های جمعی و ضایعه‌های فرهنگی با تاثیرات سیاست بایگانی مواجه هستند. به عنوان نمونه اغلب کتب تاریخی در مورد منطقه آذربایجان در جنگ جهانی اول نگاشته شده است، آغشته به سیاست بایگانی و حافظه است. متون نویسندگان غیرایرانی چون کشیشان، سیاحان و کارگزاران سفارت‌های دول اروپایی و آمریکایی درگیر کهنترین نسبت به ایرانیان حتی هم‌دینان مسیحی‌شان است. به این دلیل که اغلب این متون به مقاومت‌های آشوریان اشاره نکرده است (کاکوویچ، ۱۳۸۴؛ ناشناس، ۱۳۵۹؛ Perkins, 2012; Rockwell, 1916; Yohannan, 2017; Werda, 1924; Naayem, 2012). منابع دسته دوم تاریخ این گروه از نویسندگان نه تنها عیوب متون گذشته را با خود دارد، بلکه از نگاه انتقادی در تاریخ‌نگاری اجتماعی و فرهنگی بی‌بهره است (Donef, 2014; Gaunt, & Eds, 2017; Gaunt, 2006; Khosroeva, 2017; Riggs, 1997; Shahbaz, 2010; Travis, 2010; Yacoub, 2016; Stafford, 2006). کتبی که ایرانیان نگاشته یا جمع‌آوری کرده‌اند، اغلب با نگرش تاریخ‌نگاری سیاسی است. کتب معدودی از این منابع که به بررسی اسناد سازمان‌های دولتی و حکومتی پرداخته است از سیاست بایگانی دوران پهلوی دور ماندند (دهقان، ۱۳۴۸؛ تمدن، ۱۳۵۰؛ کسروی، ۱۳۸۴؛ معتمد الوزاره، ۱۳۹۵؛ بیات، ۱۳۸۱؛ بیات، ۱۳۸۹؛ خسروزاده، شیخ نوری و نایب پور، ۱۳۹۴؛ آبادیان و خسروزاده، ۱۳۹۲؛ خسروزاده، ۱۳۹۷). در مقاله کنونی برای رهایی از سیاست بایگانی و حافظه، فقط به جمع‌آوری و دسته‌بندی منابع زبان‌های مختلف اکتفا نشده است. بلکه مقالات و کتبی که در مورد وقایع جنگ جهانی اول در غرب ایران انتشار یافته، نقد و بررسی شده است.

مبانی نظری

شالوده اولیه «مطالعات حافظه» در علوم انسانی حاصل درهم‌آمیختگی تاریخ فرهنگی جدید با انسان‌شناسی و جامعه‌شناسی بود. همه این تحولات در سایه چرخش فرهنگی در علوم انسانی رخ داد. «حافظه» از اواخر دهه ۱۹۸۰ میلادی از سوی جامعه‌شناسان آمریکایی به موضوع مطالعات تجربی بدل گشت. دیدگاه سنتی نسبت به تاریخ و حافظه در تاریخ فرهنگی دگرگون شد. «تاریخ فرهنگی» در حقیقت

حرکتی بین‌رشته‌ای برای آشتی دادن «نظریه اجتماعی» و «تاریخ» بود. به زیبایی «پیتر برک» بزرگ در مقاله مشهورش با عنوان «ضرورت هم‌گرایی نظریه اجتماعی و تاریخ (رابطه جامعه‌شناسی و تاریخ)» ترجمه حسین علی نوذری پیشینه ارتباط «نظریه اجتماعی» و «تاریخ» را بیان می‌کند (برک، ۱۳۸۰). همه این تحولات در سایه چرخش فرهنگی در علوم انسانی بود. حافظه از اواخر دهه ۱۹۸۰ میلادی از سوی جامعه‌شناسان آمریکایی به موضوع مطالعات تجربی بدل گشت. دیدگاه سنتی نسبت به تاریخ و حافظه، یک نگاه نسبتاً ساده است. وظیفه مورخ این است که «یادآورنده» باشد. متولی حافظه رویدادهای عمومی که به سود کنشگران نوشته شده، به آن‌ها شهرت می‌بخشد و همچنین به نفع آیندگان است که از مثال آن‌ها یاد می‌گیرند. تاریخ، همان‌طور که سیسرو در عبارتی که از گذشته نقل شده، نوشته است: «زندگی حافظه» است (Burke, 2011: 188). البته اولین بحث‌های جدی مطالعات حافظه در مورد حافظه [خاطره] جمعی (تجمعی) بود. اما هالبواکس با طرح مفهوم حافظه تاریخی سعی در پیوند زدن حافظه جمعی (تجمعی) با بافتار تاریخی-فرهنگی داشت. هالبواکس به بررسی شیوه‌هایی علاقه‌مند است که آدم‌ها با آن‌ها گذشته را بازنگری و اسطوره‌سازی می‌کنند. در حالی که اکنون دسترسی ذهنی مستقیم به رویدادهای پیشین زندگی مان را داریم، ولی رخدادهای گذشته تاریخی تنها به واسطه نهادهای اجتماعی به ما ربط می‌یابند. پس فرآیند یادآوری هیچ نوع خصلت خودبه‌خودی ندارد. هالبواکس همچنین استدلال می‌کند که خاطره جمعی ما از گذشته، به هیچ وجه یک‌دست نیست. برخی از رخدادهای فراموش می‌شوند و برخی دیگر به یاد آورده می‌شوند. گروه‌ها و نهادها و آیین‌ها که مسئول زنده نگه داشتن رخدادهای گذشته‌اند، رخدادهای خاصی از گذشته را در خاطره جمعی برجسته کرده و آن‌ها را زنده نگه می‌دارند (اسمیت و رایلی، ۱۳۹۴: ۱۳۸). براساس تقسیم‌بندی کانوی، مفاهیم مطرح در این حوزه مطالعاتی [حافظه] در سه مقوله گسترده قرار داده می‌شوند: الف) مفاهیم مرتبط با عاملیت و کنش‌گری که مربوط به بزرگداشت و یادآوری‌اند؛ ب) مفاهیم مرتبط با زمینه‌ها و بستری که حافظه در آنها تولید (یا بازتولید) می‌شود و ج) مفاهیمی که مرتبط با نیروهای بنیادی و سازنده حافظه‌اند (کانوی، ۲۰۱۰: ۴۴۵). طبق این دسته‌بندی کار حافظه، حافظه اتوبیوگرافیک، حافظه تاریخی و ترومای فرهنگی در یک ردیف قرار می‌گیرد (کانوی، ۲۰۱۰: ۴۴۶؛ جانعلی‌زاده چوب‌بستی، علیوردی‌نیا، فرزید، ۱۳۹۶: ۵۰-۴۹).

جفری سی الکساندر و اعضای مرکز جامعه‌شناسی فرهنگی دانشگاه ییل آمریکا با الهام از دیدگاه هالبواکس و تلفیق آن با تاریخ‌نگاری فرهنگی انتقادی، بازتفسیر فرهنگی «ضایعه جمعی» را به عنوان محوری‌ترین مسئله «برنامه قوی فرهنگی»^۱ انتخاب کردند. در این نوع بازتفسیر تمرکز بر فرآیندهای روان‌شناختی فردی نیست، بلکه توجه به نظریه دور (دفع)^۲ کردن ضایعه جمعی است. یک ضایعه جمعی با جمعی شدن دوگانه‌های قربانی و دیگران مقصر به «ضایعه فرهنگی» بدل می‌شود. هر گروه اجتماعی فرهنگی درگیر «ضایعه جمعی» روایتی با دوگانه‌های قربانی و مقصر خاص خود تولید می‌کند. این تقابل دوگانه^۳ در واقع محصول و کار اصلی ساختارگرایی نشانه‌شناختی (یاکوبسن، لوی استروس، بارت و سالیمنز) است (نبوی، ۱۳۹۲؛ Alexander, Eyerman, & Ed, 2004; ۱۳۹۲; Alexander, & Smith, 2010; Giesen, & Schneider, 2004;). ضایعه فرهنگی حاصل روابط قدرت و همزیستی است. چون فهم هویت متأثر از چالش‌های معرفت‌شناختی اخیر مبدل به یک سازه در روابط قدرت و مقاومت شده است. پس ضایعه جمعی، می‌تواند مبدا یک هویت باشد. انسان‌ها به امنیت، نظم، عشق و ارتباط اجتماعی نیاز دارند. هر اتفاقی که به شدت این نیازها را تحلیل ببرد، بسیار شگفت‌آور نخواهد بود همچون دیدگاه نظری، مردم این وقایع را جراحاتزا ببینند (Alexander, 2013: 8). [اما] قدرت مسلط^۴ فرهنگی رویداد ضایعه فرهنگی را می‌سازد و مردم را به پذیرش آن وادار می‌کند (Alexander, 2013: 28). [ضایعه

1. The strong program in cultural sociology
2. Lay
3. Binary opposition
4. Hegemonic

فرهنگی] در حقیقت مبدل به معبد و اسطوره‌های مادی برای بسیج نیرو و تهییج حس همبستگی و همدلی اعضای گروه خواهند شد (Stafford, 2006: 27) و فراتر «تجربه ضایعه جمعی» یک فرآیند جامعه‌شناختی که قربانی، مسئولیت و توزیع عواقب ذهنی و مادی یک ضایعه دردناک جمعی تعریف می‌شود. هنگامی که تجربه ضایعه اجتماعی آسیب‌دیدگان در اجتماع تصور و نمایان شود، هویت جمعی تغییر خواهد کرد. بازآفرینی گذشته جمعی، فرآیند بازسازی حافظه جمعی را صورت می‌دهد. چون در فرآیند شکل‌گیری ضایعه فرهنگی حافظه جمعی نه تنها اجتماعی، عمیقاً سیال بلکه با حس معاصر از خود ارتباط می‌یابد. هویت به طور مداوم نه تنها در مواجهه با حال و آینده، بلکه با بازسازی زندگی جمعی کنونی هم ساخته می‌شود (Alexander, 2013: 26). «افکار عمومی» در آثار وی بالاخص «جامعه‌شناسی فرهنگی شر» که زیربنای مطالعه «ضایعه فرهنگی» است، اهمیت دارد. در این دیدگاه روایت‌های «ضایعه فرهنگی» یعنی چگونگی برساخت «شر» در افکار عمومی مطالعه می‌شود. در این پدیده در برنامه قوی با تمرکز بر تقابل‌های دوگانه مطالعه می‌شود (نبوی، ۱۳۹۲ & Giesen, & Alexander, Eyerman, & Ed, 2004; Alexander, & Smith, 2010; Schneider, 2004). در طول دو دهه گذشته، شناخت جدیدی از قدرت ساختاری مستقل فرهنگ به وجود آمده است. با این حال به خاطر خودآگاهی انضباطی مدرن، برخورد با شر بدتر از سقط جنین بوده است. آیین‌ها و نمادهای «منفی» در مطالعات فرهنگ‌ها و ارزش‌ها و هنجارها، نشانه‌ها و روایات به یک‌طرف و به عنوان دیگری کنار گذاشته شده است (Alexander, 2003: 109). مفاهیم اجتماعی چون شر، بدبختی و منفی بودن تنها به عنوان انحراف از الگوهای هنجارها مورد بررسی قرار می‌گیرند (Alexander, 2003: 109).

تلاش سوژه‌سازی هم در تاریخ فرهنگی، مطالعات حافظه و جامعه‌شناسی فرهنگی شر بحث اساسی و مهمی است. جفری سی الکساندر متأثر از تأویل‌شناسی ديلتای پدیده‌های اجتماعی فرهنگی را در افق نظری-معرفتی مطالعات انسانی بررسی می‌کند. در این افق علوم انسانی همواره درگیر فعالیت تفسیری است. محقق این علم تفسیرگر پدیده‌ها است. البته همواره تبیین‌گر هم خواهد بود. به این دلیل که، الگوهای تفسیر معنا می‌توانند کارکرد تبیین‌گر هم داشته باشند. البته این الگو با الگوی حاکم بر علوم طبیعی متفاوت خواهد بود. او بر این مبنا گفتمان^۳ را با رجعت به ریشه‌های دو سوسوری بحث کرده است. الکساندر به وجود یک فرازبان^۴ که نه تنها زبان بلکه سخن^۵ در قالب‌های روایت^۶، رمزگان، اجرا^۷ و حتی تمثال^۸ بازسازی می‌کند، باور دارد. در نتیجه، وی گفتمان را یکی از عناصر بنیادین برنامه پژوهشی خویش معرفی کرده است. این مفهوم فرآیند مفهوم‌سازی معطوف به ارزش‌ها^۹ را در پژوهش‌ها منسوخ ساخته است. در حقیقت فرازبان، روایت‌گر و درگیر رمزگان دوتایی است. این‌جا مرزهای فرآیندهای سوژه‌سازی شر در آرای الکساندر آشکار می‌شود (Alexander, 2003: 109; Alexander, & Smith, 2010).

برنامه قوی فرهنگی در ادامه چرخش فرهنگی^{۱۰} در علوم انسانی است. ران ایورمن از اعضای این برنامه و شاگرد الکساندر در اثر مشهورش ضایعه فرهنگی (برده‌داری و شکل‌گیری هویت آفریقایی-آمریکایی‌ها) تلفیقی از تأویل‌شناسی معنایی و فلسفه زبان

1. Hermeneutics
2. Human studies
3. Discourse
4. Meta-language
5. Speech
6. Narrative
7. Performance
8. Icon
9. Values
10. Cultural turn in the human sciences

پساساختارگرا ارائه کرد (Eyerman, 2003). هر تلاشی برای امتیاز بخشیدن یک هویت گروهی بر هویت دیگر (برای مثال طبقه در برابر قومیت یا جنسیت در برابر طبقه) به همین نسبت مخدوش است، زیرا تمامی این بازی‌های زبانی از مشروعیتی یکسان برخوردارند. در دنیایی که دریافته‌شده، گفتمان‌های حقیقت هم‌سنج‌ناپذیر بوده و سوژه‌های اجتماعی از میان رفته‌اند؛ تمامی هویت‌های گروهی چندگانه، تصادفی و قابل دگرگونی هستند (مالشویچ، ۱۳۹۰: ۲۲۳). پس هویت قومیتی چون موقعیت سوژه، برآمده از دیدگاه یا مجموعه‌ای از معانی گفتمانی قاعده‌مند و تنظیمی است که متن یا گفتمان با آنها معنا پیدا می‌کند. این سوژه است که ما باید با آن این‌همانی کنیم تا گفتمان معنادار شوند. در این‌همانی‌ها با این موقعیت سوژه‌ای، متن ما را در معرض قواعد این موقعیت قرار می‌دهند؛ این موقعیت در پی آن است که ما را به عنوان نوع مشخصی از سوژه یا فرد برسازد (بارکر، ۱۳۹۶: ۵۲۱).

روش‌شناسی پژوهش

این مقاله مطالعه اسنادی و تاریخی با روش تاریخ‌نگاری تاریخ فرهنگی و روش تحلیل داده‌ نشانه‌شناسی است. تاریخ فرهنگی روشی تاریخ‌نگاری که با به‌کارگیری انواع منابع داده‌ای از متنی تا تصویری و روش‌های متنوع تحلیل داده پژوهش شده است. در نتیجه، این نوع تاریخ‌نگاری به بایگانی نگاه گسترده‌تری دارد. از طرفی، با بحث چرخش فرهنگی مسئله قضاوت اجتماعی گروه‌های فرهنگی متفاوت در مورد موضوع مطالعه قابل طرح شده است. از این‌رو، بازخوانی، نقد و بازسازی بایگانی مطرح می‌شود. تلاقی سیاست بایگانی و حافظه زمانی بخرنج می‌شود که محقق موضوعی مطالعه می‌کند که به دوره زمانی، افراد و رویدادهای مناقشه‌برانگیز باز می‌گردد. این مقاله با کاویدن یکی از سیاه‌ترین روزهای تاریخ معاصر ایران دو چالش سوگیری منابع و سیاست بایگانی «حذف» درگیر شده است.

الکساندر در آثارش چندین نمونه ضایعه‌های فرهنگی جهانی هم‌چون کشتار نانجینگ و آشویتس را نشانه‌شناسی کرده است. وی نشانه‌شناسی با قرائت خاصی از دو سوسور^۱ در آثارش بهره برده است. این قرائت با بحث «روایت»^۲ گره خورده است. او بحث روایت را از «ژانر»^۳ در مطالعات ادبی وام گرفته است. الکساندر نحوه ساختاریابی گفتمان‌های اجتماعی در روایت‌ها را پژوهش می‌کند. در این ساختاریابی «طرح‌واره»^۴ رمزگان دوتایی ساختارهای اجتماعی مطالعه می‌شود. در نتیجه، این دوتایی‌های گفتمانی در شخصیت‌ها، نقش‌های اصلی و منفی روایت‌های اجتماعی تبلور می‌یابد. رمزگان دوتایی روایت‌های یک ضایعه فرهنگی در قالب قربانی و مقصر در دو محور هم‌نشینی و جانشینی نشانه‌شناختی نقل شده است.

در قرائت الکساندر از نشانه‌شناسی کتب تاریخی بخشی از افکار عمومی است. در نتیجه، این نوع نشانه‌شناسی کتب به نوعی تأویل‌شناسی افکار عمومی فرض شده است. این فرض در عصر پیشادیدجیتال به چند دلیل قابل پذیرش است. اول، کتاب در کنار روزنامه‌ها بازنماکننده بخشی از افکار عمومی هستند. دوم، نویسندگان برخی از رویدادها با توجه گستردگی آسیب‌زایی از چندین ملت و مذهب بودند. سوم، برخی از کتب تاریخی به نوعی خاطره‌نویسی که حافظه «خود زندگی‌نامه»^۵ می‌توان دانست و چهارم، گروه‌های فرهنگی مختلف این منابع نوشتاری را پس از هر واقعه تنها روایت صادق از آن رویدادها می‌انگارند. در مقاله کنونی، کلیه روایت‌های وقایع کشتار آشوریان از ۲۹ سند و کتاب به زبان‌های مختلف انگلیسی، کردی، سریانی و فارسی با قرائت الکساندر نشانه‌شناسی شده

1. Ferdinand de Saussure
2. Narrative
3. Genre
4. Plot
5. Character
6. Autobiography

است. برای تحقق این امر روایت‌ها در سه گونه روایت خوارانگاران، دشمن‌انگاران و میانه دسته‌بندی شده است. روایت خوارانگاران روایت‌های سیاحان و خارجی در گام اول بررسی شده است. روایت‌هایی از وضعیت کردها در جنگ جهانی اول به سه زبان فارسی، کردی و انگلیسی در گام دوم مطالعه شده است. آثار نویسندگان ایرانی در گام آخر مطالعه شده است. در آثار نویسندگان، سوگیری کم‌تری به «آشوریان» داشته‌اند. روایت این نویسندگان از ضایعه‌های فرهنگی جنگ جهانی اول منصفانه‌تر از سایر گروه‌ها بوده است. قوای دولتی ایران و حکومت قاجار نقش زیادی در نسل‌کشی آشوریان نداشته‌اند. از طرفی، این انفعال حکومت ایران بستر شعله‌وری آتش کین بومیان ترک‌زبان از آشوریان و دور باطل انتقام‌جویی را ایجاد کرد. این تقصیر در برخی کتب این نویسندگان پنهان شده است. در نتیجه، طرفین را داغدار و آسیب‌دیده و این انتقام‌ها را از سر کینه‌جویی نمایش داده است. اسناد و مدارک مورد بررسی بر حسب گروه فرهنگی روایت‌گر و موضع‌گیری در مقابل قربانی و مقصر و محور هم‌نشینی و جانشینی در جدول ۱ نمایش داده شده است.

جدول ۱. اسناد و مدارک مورد بررسی

نوع روایت	تعداد منبع	روایت‌گر	موضع‌گیری	ارجاعات
خوارانگاران	۱۱	سیاحان و مبلغان مذهبی ۱	بسیار غیرمنصفانه و تحقیرآمیز از آشوریان	DeKelaita, 1923; Fromkin, 2001; Gaunt, & Eds, 2017; Gaunt, 2006; Rockwell, 1916; Zirinsky, 1998; Werda, 1924; کاکوویچ، ۱۳۸۴؛ ناشناس، ۱۳۵۹؛ میروشنیکیف، ۱۳۴۴؛ نیکیتین، ۱۳۵۶؛
دشمن‌انگاران	۷	سیاحان و نویسندگان کرد	آشوریان جلاد و مزدور و کردهای قربانی	Ghassemlou, 1965; مک داول، ۱۳۸۳؛ کینان، ۱۳۹۰؛ مینورسکی، ۱۳۷۹؛ مردوخ کردستانی، ۱۳۸۲؛ زکی بیگ، ۱۳۸۰؛ ح‌م‌ه‌ش، ۲۰۱۳
میانه	۱۱	نویسندگان ایرانی	انفعال حکومت، کینه‌توزی بومیان ترک‌زبان و دور باطل انتقام‌جویی	دهقان، ۱۳۴۸؛ آقاسی، ۱۳۵۰؛ جمالزاده، ۱۳۶۲؛ کسروی، ۱۳۸۴؛ بیات، ۱۳۸۹؛ بیات، ۱۳۸۱؛ مجد، ۱۳۸۶؛ سیف، ۱۳۷۸؛ معتمد الوزاره، ۱۳۹۵؛ خسروزاده، ۱۳۹۷؛ ططری و نیکبخت، ۱۳۹۰

یافته‌های پژوهش

«کشتار آشوریان» نابودی عمدی و برنامه‌ریزی شده جمعیت غیر نظامی آشوری در مناطق شمال میان رودان (بوئزه مناطق حکاری، طور، عبدین، استان سعرد)، ارومیه و مناطق جنوب شرقی ترکیه امروزی، قبل و حین جنگ جهانی اول به رهبری جریان ترکان جوان (به دستور سلطان عبدالحمید دوم)، گاهی با همکاری قبایل کرد، عرب و شبه‌نظامیان محلی صورت‌گرفت، اطلاق می‌شود. این نسل‌کشی با (نسل‌کشی ارمنیان و یونانیان) هم‌زمان بوده است (بیات، ۱۳۹۳؛ Riggs, 1997; Khosroeva, 2017; Stafford, 2006; Travis, 2010). زیربناسکی تحولات سال‌های جنگ جهانی اول و بعد از آن در تاریخ آذربایجان را به شش دوره تقسیم کرده است (Zirinsky, 1998) «کشتار آشوریان» در منطقه آذربایجان ایران از دوره دوم به بعد به طور پراکنده روی داده است (بیات، ۱۳۸۹).

پس از آغاز رسمی جنگ جهانی اول، حمله سراسری عثمانی‌ها در «ساری قمیش» باعث غافلگیری روس‌ها شد. قوای نظامی روسیه پس از تحمل شکست‌های پیاپی نیروهای خود را از آذربایجان ایران به سوی قفقاز عقب‌نشینی داد. جبهه آذربایجان به محض

عقب‌نشینی روس‌ها توسط واحدهای نامنظم کُرد و مجاهدان داوطلب ایرانی تصرف شد. این نیروها نخست در ۲ ژانویه ۱۵/ صفر ارومیه و یک هفته بعد نیز تبریز را تصرف کردند (بیات، ۱۳۸۹: چهارده). دوره دوم تحولات جنگ با مرگ شماری از آشوریان^۱ که توان پرداخت خون‌بها به پیشقراولان عثمانی را نداشتند یا به «جیلو»ها پناه داده بودند، به پایان رسید (خسروزاده، ۱۳۹۷). پیشروی نیروهای عثمانی در جبهه «ساری قمیش» دیری نپایید. سپاهیان روسی با فرماندهی ژنرال یودنیچ (ریاست ستاد قفقاز سپاهیان روسی) در قفقاز واحدهای عثمانی را مجبور به شکست و عقب‌نشینی کردند. با این تحولات عمده در جبهه اصلی جنگ قوای روسی به فرماندهی چرنوزوبوف در آذربایجان مواضع خود را پس گرفتند (بیات، ۱۳۸۹). تبریز سه هفته پیش در دست عثمانی‌ها نماند و روس‌ها آن را در اواخر ژانویه ۱۹۱۵/ اواسط ربیع‌الاول ۱۳۳۳ از نو تصرف کردند، ولی تصرف مجدد ارومیه به آسانی صورت نگرفت و تنها در ۲۴ مه ۱۰/۱۹۱۵ رجب ۱۳۳۳ بود که روس‌ها پس از زدوخوردهایی با قوای خلیل‌بیگ توانستند به شهر درآیند (بیات، ۱۳۸۹: شانزده). دوره سوم تحولات جنگ با استقرار روس‌ها در ارومیه به چرخه انتقام‌جویی میان مسلمانان و مسیحیان سرعت داد. در این ایام تعدادی از آشوریان طعمه انتقام مسلمانان زخم‌خورده از «جیلو»ها شدند. گزارش و شرح این انتقام در خاطرات «محمدصادق میرزا معزالدوله» (حاکم آن دوران ارومیه) آمده است.

از پاییز ۱۳۳۵/۱۹۱۷ با فروپاشی حکومت تزاری در روسیه موجب نابودی اقتدار نظامی روس‌ها و تخلیه آذربایجان توسط سالدات‌های روس شد. دوره چهارم تحولات جنگ جهانی، دوره بلاتکلیفی که امید بازگشت حاکمیت ایران بر آذربایجان با تعرض گسترده دیگربار قوای عثمانی در جبهه آذربایجان در اوت ۱۹۱۸/شوال ۱۳۳۶ به کابوس بدل شد (بیات، ۱۳۸۹). با خدعه مرگ «مارشیمون بنیامین»^۲ راه را برای لشکرکشی قوای عثمانی باز کرد و آنان انتقام شکست پیشین خود را از مدافعین روستاهای آشوری گرفت. شمار زیادی از جوانان آشوری در میدان نبرد کشته شدند. قرارداد ترک مخاصمه مدرس (۳۰ اکتبر ۱۹۱۸/۲۴ محرم ۱۳۳۷) به اقتدار عثمانی‌ها بر آذربایجان ایران پایان داد. اما دوره پنجم تحولات با شعله‌ور ساختن مجدد آتش کینه‌های محلی، روزهای خونینی در آذربایجان رقم زد. در این ایام انتقام‌جویی از کُردها و مسیحیان به عنوان مسبب جنگ توسط قوای دولتی ایران یا بومیان ترک‌زبان صورت گرفت (بیات، ۱۳۸۹). دوره ششم از اتمام رسمی جنگ جهانی اول تا سرکوب شورش اسماعیل آقا شاکاک (آخرین نیروی برآمده از این آشوب) در تابستان ۱۳۰۱ شمسی اتفاق افتاد. این دوره با پیامدهای این جنگ یعنی قحطی، بیماری، حضور انبوهی از آوارگان یکی از سخت‌ترین روزهای ساکنان آذربایجان در تاریخ را رقم زد. تنش و التهاب میان خیل عظیم نیروهای محلی گرسنه تا بن دندان مسلح و مردم جراحت‌دیده با مداخلات مستقیم و غیرمستقیم نیروهای بیگانه، دور تازه از غارت و مرگ بر ارومیه و روستاهای اطراف مسلط کرد (بیات، ۱۳۸۹). در این دوره هم آشوریان فقیر و بی‌دفاع زیادی کشته شدند و تعدادی هم از شهر فرار کرده و به تبریز و تهران پناهنده شدند.

آشوریان با فروکش کردن آتش کین و جنگ به شهرهای‌شان بازگشتند. این آشوریان به جز مشقت بازسازی خانه‌ها، از محدودیت‌های اجتماعی در رفت‌وآمد و فعالیت‌های اجتماعی رنج می‌بردند (Naby, 1977). آشوریانی که به خاطر کارهای شخصی یا تجاری از ارومیه یا شهر خود خارج می‌شدند، می‌بایست ورقه عبور ویژه‌ای اخذ نمایند. صدور این برگه با مشکلات و موانع زیادی صورت می‌گرفت. آنان باید برای تسهیل کارهای‌شان خود را با نام خانوادگی ارمنی با پسوند «یان» معرفی می‌کردند. چون ارمنیان از

۱. به خاطر تفاوت چشمگیر ارقام کشته‌شدگان در منابع تاریخی برای کاهش سردرگمی خوانندگان و انحراف از موضوع مقاله در این سطور و سطور بعدی از ذکر ارقام کشته‌شدگان خودداری کردیم.

محدودیت‌های مسافرت معاف بودند. اقدام تازه دولت برای صادر کردن شناسنامه برای ایرانیان، پنهان‌سازی هویت آشوریان را پایدارتر کرد. عده‌ای از آشوریان با نام خانوادگی ارمنی هم شناسنامه گرفتند (مرکز تحقیقات، مطالعات و مقالات آشور؛ Naby, 1977).

یکی از فعالیت‌های مداوم اجتماعی آشوریان تاسیس و اداره انجمن‌ها و سازمان‌های خیریه و نشریات بود. بین دو جنگ جهانی به جز دو مدرسه و چند موسسه خیریه در شهرهای ارومیه، تهران، کرمانشاه و همدان و «انجمن آشوریان تهران» بازگشایی نشد (مرکز تحقیقات، مطالعات و مقالات آشور، ۱۳۹۷). این انجمن «در سال ۱۸۹۸ میلادی، پس از مهاجرت عده کثیری از جوانان آشوری-کلدانی ساکن سلماس به تهران و استخدام در وزارتخانه‌ها و ادارات دولتی، بنیان اولیه انجمن آشوریان تهران گذارده شده بود» (انجمن آشوریان تهران، ۱۳۹۳). بازگشایی مجدد این انجمن به سال ۱۹۲۵ میلادی (۱۳۰۴ خورشیدی) با نام «مجمع کلدانیان تهران» اتفاق افتاد. از اقدامات مهم آنان، ارسال نامه به نخست‌وزیر وقت ایران برای کسب اجازه مراجعت آشوریانی که توسط نیروهای متفقین به اردوگاه‌هایی در عراق منتقل شده بودند، بود (انجمن آشوریان تهران، ۱۳۹۳). اما این دست اقدامات، تلاش‌ها و فعالیت‌های انجمن‌ها برای حفظ «اجتماع آشوریان» در خاورمیانه به خاطر اتفاقاتی که در راه بود، بی‌ثمر شد. رویدادهایی همچون تسلط جریان‌های ملی‌گرا بر تمامی سرزمین‌های جدا شده از عثمانی، جنگ جهانی دوم و قائله آذربایجان باعث ناامیدی «آشوریان غربی (جیلوها)» از بازگشت به عراق و ترکیه شد. از طرف دیگر، به دلیل سخت‌گیری‌های پهلوی اول فعالیت‌های اجتماعی-فرهنگی آشوریان کاهش یافت. تمامی این‌ها باعث تشدید موج‌های عظیم مهاجرت تا امروز و برپایی جوامع دور از وطن آشوریان در آمریکا و اروپا شده است. در ادامه، بیست‌ونه منبع تاریخی به زبان‌های مختلف که روزهای تلخ و سیاه را روایت می‌کند، مورد بررسی قرار گرفته است. روایت این منابع بیانگر منازعات چهار هویت آشوری، ایرانی، ترکی، کردی و مسیحی است. منازعات این گروه‌های فرهنگی در دسته‌بندی روایت‌ها در مقاله کنونی قابل شناسایی است. برخی از این روایت‌ها شرانگاری قوی علیه هویت آشوری ارائه دادند که تاثیر آن بر آینده و هویت این اجتماع کوچک سایه افکند.

۱. روایت خوارانگارانه

روایت خوارانگارانه در منابعی نه به قلم آشوریان بلکه توسط مسیحیان غیرایرانی چون کشیشان، سیاحان و کارگزاران سفارت‌های دول متبوع نگاشته شده، دیده می‌شود. این روایت غیرمنصفانه و شرانگارانه از مسلمانان، اغلب آشوریان را بی‌دفاع و نادان نمایش می‌دهد. در این کتب به قشون متحد آشوری و تلاش‌های آنان برای دفاع از جماعات خویش در برابر یورش‌های سبانه و ددمشانه عثمانی اشاره نشده است، بلکه بیشتر به بزرگی سپاهیان مقابل اشاره شده است. «علی آقا مظفر العشایر از قبیله ژوریک، حمزه آقای مامش، حاج محمد آقا ایلخانی دهبکردی،... رأس نیروهای‌شان یکی پس از دیگری به هواداری از عثمانی پرداختند» (نیکیتین، ۱۳۵۶: ۲۰۷).

کمتز مولف خارجی به اقدامات خصمانه نیروهای نظامی روس و بریتانیا در ایران اشاره کرده‌اند. «جنگ جهانی اول برای مردم ایران بداقبالی‌ها و مشقات بی‌شماری به همراه آورد. مناطق وسیعی در اثر جنگ تخریب شده، ده‌ها هزار ایرانی دچار قحطی شدند یا پس از بیماری مردند، بسیاری زندگی خود را در اثر عملیات نظامی از دست دادند یا خسارت دیدند. در نگاه به گذشته، حتی اکنون نیز سخت است بتوان گفت چگونه ایران می‌توانست لطمه کمتری ببیند. دفاع از تمامیت ملی در برابر دست‌اندازی‌های قدرت‌های بزرگ که هر کدام تسلط بر ایران را پاداشی در نبرد برای مستعمرات جدید و حوزه‌های نفوذ خود میدیدند، ناممکن بود» (میروشنیکف، ۱۳۴۴).

نامه‌ای از خانم وایلدنر پی. الیس^۱، به تاریخ اول اکتبر ۱۹۱۷، از ارومیه، آتش زدن بازار ارومیه به دست روس‌ها و نیز خطرات قحطی در ماه ژوئیه [۱۹۱۷] در پی اقدام قریب‌الوقوع می‌بیند، سپس به شرح فاجعه‌ای که در راه بود می‌پردازد: «زمستان، جمعیت

مردم گرسنه که در میدان شهر ما جمع می‌شوند انبوه‌تر می‌شود. زمستان سختی در پیش است. قیمت غله پیوسته از این برداشت به آن برداشت افزایش می‌یابد. قیمت غله در آغاز بالا بود و اکنون به قیمت‌های زمان قحطی رسیده است ... اکنون قیمت‌ها پنجاه درصد بالاتر از قیمت‌های همین فصل در سال قبل است. قیمت گندم پنج تا شش دلار برای هر بوشل است و روشن است که بیشتر هم خواهد شد. اگر کمک نرسد، قحطی تنها اتفاق پیش روی پناهندگان، کردها و مسیحیان است. بسیاری از مسیحیان و مسلمانان ساکن این شهر نیز تنها با کمک دوستان و همسایگان‌شان تأمین می‌شوند» (مجد، ۱۳۸۶: ۶۰).

۲. روایت دشمن‌انگارانه

بسیاری از منابع ترک‌زبان و برخی منابع کردزبان در مورد جنگ جهانی اول، روایت‌هایی شرانگاران از مسیحیان، سپاهیان روس و انگلیس ارائه می‌دهند (اردوبادی، ۱۳۸۰). اما تمرکز بر منابع کرد زبان به جای منابع ترک زبان دلایلی دارد، از جمله: یکی) منابع ترک زبان آشوریان را مقصران کشتار نمی‌دانند، ولی منابع کرد زبان به طور آشکار و هم‌پنهانی به آشوریان غربی (جیلوها) اشاره کرده‌اند، دومی) منابع کرد زبان تاریخی پر از رمزگان دوگانه ظالم و مظلوم است که کردها را آسیب‌دیده یا مزدور و دیگری را فریب‌خورده (آشوریان و ارمنه) یا متجاوز (روسیه تزاری و بریتانیا) می‌انگارند. اما منابع ترک زبان ارمنه و روسیه تزاری دیگری می‌پندارند. با وجود اینکه در تواریخ کرد زبان به آشوریان ایران اشاره نشده است، اما در این متون به ارمنه اشاره می‌کنند که همان جمعیت مسیحی متشکل از ارمنه ترکیه و آشوریان غربی است.

روس‌ها در پیشروی به سوی جنوب بر سمکو و عشیره او، عشیره شکاک، غلبه کردند و تا امضای پیمان متارکه جنگ از سوی بلشویک‌ها در ارومیه ماندند. در آشفتگی و هرج‌ومرجی که از پی عقب‌نشینی روس‌ها و ترک‌ها روی داد، سمکو برای احراز سلطه بر مناطق کردنشین واقع در غرب ارومیه دست به کار شد. برای نیل به این منظور ناگریز بود ابتدا به آشوریان بپردازد، که علیه امپراتوری عثمانی شوریده بودند. دشمنی و کینه‌ای خانوادگی بین سمکو و مارشیمون مزید بر علت شده و دشمنی و اختلافات بین شکاک‌ها و آشوریان را شدت بخشیده بود... سمکو در تعذیب و آزار آشوریان به ترک‌ها پیوست و در نتیجه این تعذیب و تعقیب بخش عمده جمعیت آشوری، که ارومیه مرکز شهری آنان بود، پیش از رسیدن به جنوب شرق منطقه-یعنی همدان-و قرارگرفتن در حمایت انگلیسیان نابود شد (کینان، ۱۳۹۰: ۱۵-۱۱۴).

در میان کردها هم دیگری وجود دارد که «مزدوران» اطلاق می‌شوند. آنانی که آگاهی قومی نداشته و با حکم جهاد علمای عثمانی یا پول برای کشتار مسیحیان اجیر شدند.

در حالی که نیروهای روسی که آذربایجان را اشغال کرده بودند به سمت شمال عقب می‌نشستند. بیشتر ارمنیان و آشوریان، وحشت‌زده به دنبال ارتش روسیه از محل گریختند. بسیاری از این مردم در اثر سرما تلف شدند. آنها که بازمانده بودند در ارومیه پناه گرفتند. این مردم در ارومیه و روستاهای مسیحی‌نشین اطراف آن از سوی نیروهای ترک و مزدوران کردشان مورد هر گونه آزار و اذیت واقع شدند (مک داوول، ۱۳۸۳: ۶-۱۹۵).

در سی‌ام ماه مه به مسلمانان، که در عمل ترک‌های شهرنشین و کردهای روستانشین بودند، اجازه داده شد که اموال ره‌اشده ارمنیان را تصاحب کنند. در طی دوازده ماه بعد، حدود یک میلیون ارمنی [ارمنی و آشوری] هلاک شدند. ... چرا کردها با این رضا و رغبت دستورهای حکومت را اجرا می‌کردند؟ آدم‌گانه بی‌میل نیست این استدلال و توجیه را بپذیرد که مبارزه صرفاً مبارزه‌ای قومی بوده ... اما برای رفتار کردها ابداً توضیح مقنع و متقاعدکننده‌ای نیست. این جریان را می‌توان در مقام تلافی خشونت‌هایی دید که

ارمنیان در بایزید و آلاشگرد مرتکب شده بودند. این قتل‌عام‌ها و کشتارها به هر حال روی می‌داد، زیرا اوج چل چلی و آشوب قبیله‌ای بود، که از بخش آخر سده نوزدهم به این سو رشد کرده بود. در ضمن اوج تنش بین یک امپراتوری اسلامی با دشمنانش نیز بود (مک‌داول، ۱۳۸۳: ۸-۱۹۷).

حتی در برخی منابع کردزبان آشوریان را به خیانت و همدستی با دولت‌های روسیه تزاری و بریتانیا متهم می‌کنند. اما در اثنای جنگ اول جهانی، دولت‌های امپریالیستی لازم دانستند این «کردهای چادرنشین» را به خاطر داشته باشند. نوکران روسیه و بریتانیا [ارمنی و آشوری] در شمال و آلمان و بریتانیا در کردستان جنوبی شروع به فعالیت نمودند، حتی واسموس کنسول آلمان در بوشهر با همکاری عشایر سنجایی توانست از بهم پیوستن نیروهای روسیه و بریتانیا جلوگیری به عمل آورد و نوکران بریتانیا هم توانستند عشایر کلهر و گوران و اورامان را تطمیع نموده با وعده‌های کاذب آنها را به جان عشایر سنجایی بیاندازند (کرد اوغلی: ۱۵؛ 53: 1965, Ghassemlou).

۳. روایت میانه

در این روایت، نویسندگان فارسی‌زبان به خاطرات کارگزاران دولتی یا اسناد دولتی مراجعه می‌کنند. این‌گونه روایت «میانه‌روی» در بازنمایی از «هویت آشوریان» را پیش می‌گیرند، اما با شرانگاری کردها و سپاهیان عثمانی به نوعی تطهیر محلی‌ها از تقصیر روی می‌آورند. در بسیاری از این منابع به نقش احکام جهاد علما نجف و کربلا اشاره نمی‌شود. متأسفانه این احکام جهاد سیاسی فقط مهر تاییدی بود به کشتارهای بی‌رحمانه عثمانی در خاک ایران شد. در ۱۱ نوامبر ۱۹۱۴ میلادی/ ۲۲ ذی الحجه ۱۳۳۲ قمری شیخ الاسلام حائری افندی پیشوای مسلمانان عثمانی علیه بریتانیا، روسیه و فرانسه فتوای جهاد صادر کردند و از همه مسلمانان خواست علیه این کشور جهاد کنند (میروشنیکف، ۱۳۴۴: ۷-۴۶). در بخشی از این بیانیه که نیکیتین نسخه‌هایی از آن را در ارومیه دیده، آمده بود: «تمام مسلمانانی که در معرض آزار و اذیت دول مهاجم روس و فرانسه و انگلیس واقع شدند مانند اهالی کریمه و قازان و ترکستان و بخارا و خیوه و هندوستان و چین و افغانستان و آفریقا و ایران و غیره باید در این جنگ به هیأت اجتماع دوشادوش نظامیان عثمانی به وظایف مقدس مذهبی اسلام عمل کرده و با جان و مال در این جهاد مقدس شرکت نمایند» (نیکیتین، ۱۳۵۶: ۳۲-۳۳). به زودی این فتوی مورد تایید مجتهدین نجف و کربلا نیز قرار گرفت (میروشنیکف، ۱۳۴۴: ۷-۴۶). شاید در نتیجه چنین وقایعی بود که به زودی احساسات ضد مسیحی در ارومیه پیشرفت نمود (الوییه، ۱۳۸۰: ۴۲۶؛ خسروزاده، ۱۳۹۷: ۴-۶۳).

فرافکنی مسئولیت با چشم‌پوشی از نقش محلی‌های مسلمان در غارت آشوریان شهر ارومیه و نسبت دادن مقصران این اتفاقات فقط به کردها و سپاه عثمانی در متون بالاخص آثار «کسروی» و «تمدن» دیده می‌شود. هم‌زمان در آثار محققان خارجی به روشنی به نقش محلی‌های مسلمان اشاره شده است. «تا جایی که بحث غارت مطرح بود کردها تنها برای خوشه‌چینی آمده بودند و اهالی شهر قبلاً کار غارت را تمام کرده بودند» (Werda, 1924). در برخی اسناد فقط آشوریان مقصران روی دادن کشتارهای پی‌درپی شناخته شده‌اند. «وزارت جلیله داخله. یازده نفر از علماء معروف ارومی که در مقدمه آثوری‌ها مقتول و تمام دارایی‌های آنها به غارت رفته اسامی ایشان... آقا میر هاشم ثقه الاسلام علاوه بر قتل، خانه‌اش را غارت نموده‌اند. آخوند ملا علی قلی با دو نفر پسرش میرزا محمود و میرزا عبدالله مقتول، خانه‌شان به غارت رفته و حیدرالعلماء و آخوند ملاعبدالکریم پیش‌نماز، آقا میرزا ابراهیم مشهور به مجتهد، آقا میرزا صادق، آقا میرحسین روضه‌خوان، آخوند ملاعلی روضه‌خوان، آقا میرجلال مدرس، ملاسیف‌الله روضه‌خوان و همچنین جناب آقای نظام‌العلماء که سید[و] از علماء معروف ارومی هستند» (بیات، ۱۳۸۱: ۳-۴۰۲).

در ادامه، با توجه به یافته‌های مطرح‌شده دسته‌بندی از دال و مدلول‌ها ارائه شده است. رمزگان «فریب‌خورده» دارای مدلول‌های فریب خوردن از حکومت روسیه تزاری، ایران، بریتانیا و امپریالیسم است. دال‌های «استقبال آشوریان از سپاه روسیه در ارومیه» و «عدم اطاعت از حکم جهاد علمای دینی عثمانی» از فریب خوردن از حکومت روسیه تزاری نشات می‌گیرد. «عدم حمایت از قیام‌های کردها در خاک ترکیه» از فریب خوردن از حکومت ایران حاصل شده است. «استقبال از میسیونری‌های خارجی» نشان از فریب خوردن از امپریالیسم است. «تشکیل قشون متحد آشوری» بیانگر فریب خوردن از بریتانیا است. رمزگان «بی‌دفاع» دارای یک مدلول بی‌دفاع بودن در این منابع تاریخی است. «مرگ در حین عقب‌نشینی‌های سپاه روسیه»، «غارت‌شده توسط سپاه عثمانی و کردها، مسلمانان محلی»، «اسیر قحطی و آواره در شهرهای تبریز و همدان» و «اسارت زنان و دختران توسط سپاه عثمانی و کردها» دال‌های این مدلول در متون هستند. رمزگان «کافر» دارای دو مدلول «مرتد شدن» و «مزدور روسیه تزاری» در این کتاب‌های تاریخی است. دال «حکم جهاد علیه متفقین و متحدان‌شان توسط علمای سنی و شیعه عثمانی»، «تعقیب آشوریان غربی پناهنده در ارومیه» و «به اسلام آوردن بسیاری از زنان و دختران آشوری» نشان از مرتد شدن دیگری این متون دارد. «فرار کردن از ارومیه با عقب‌نشینی سپاه روسیه نشان دیگری از مزدور بودن این دیگری از طرف حکومت روسیه تزاری قلمداد شده است.

بحث

این مقاله با بررسی بیست‌ونه منبع تاریخی از زبان‌های انگلیسی، فارسی و کردی در جستجوی روایت‌های متعددی از تاریخ آشوریان در برهه جنگ جهانی اول بوده است. آنان در اغلب متون عامل شر و تهاجم بیگانگان به ایران در جنگ جهانی اول نمایش داده شدند. هویت آشوریان بر اساس روابط همنشینی و جانیشینی با روایت‌های خوارانگاران، میانه و دشمن‌انگاران نقل شده است. در این روایت‌ها آنان با رمزگان‌های فریب‌خورده، بی‌دفاع، کافر و مزدور هم‌نشین شدند. هم‌چنین، این مقاله در ادامه ترجمه‌ها، مقالات و تالیفات بینارشته‌ای مطالعات حافظه در ایران نگاشته شده است. آثار قبل از این متن با وام‌گیری از برنامه قوی فرهنگی و سایر محققان این حوزه در ایران نوشته شده‌اند. اما مقاله کنونی با تاکید بر وفاداری به این شاخه از علم و معرفی ضایعه فرهنگی به عنوان یک حوزه پژوهشی نسبت به آثار قبلی متمایز است. از طرفی، مقاله از نظر روش‌شناختی با به کارگیری روش نشانه‌شناسی با قرائتی خاص متون تاریخی را بررسی کرده است. در این قرائت توان فهم روابط قدرت در روایت جلوه‌های متعدد هویت میسر شده است. این مقاله به دنبال کشف روابط سیاست حافظه و بایگانی در متون تاریخی و سندی مربوط به یک ضایعه فرهنگی است. فهم سیاست هویت را بیرون از متن تاریخی ممکن می‌داند. به این دلیل که در این نگرش متن تاریخی را به مثابه سیاست حافظه رسمی یا گروهی یک دوره می‌داند. در نتیجه، با تأویل‌شناسی سیاست حافظه هر دوره می‌توان سازوکار سوژه‌سازی آن دوره را فهم کرد. از طرفی، ضایعه فرهنگی، خود شکاف عمیقی در حافظه جمعی و گروهی ایجاد می‌کند. در این نقطه بحرانی است که دسته‌بندی و دیگری‌سازی‌ها شدت می‌گیرد و مرزهای سوژه-هویت آشکار می‌شود. این امر با عیان‌سازی سیاست هویت و حافظه نهفته در تقریرات و مکتوبات تاریخ‌نگاران میسر می‌شود. بالطبع هر تاریخ‌نگار هم‌چون هر مولفی متأثر از سیاست هویت و حافظه دوران خود بوده است. هم‌دستی این عوامل سیاست بایگانی را می‌سازد. در ضمن، این مقاله نه تنها بررسی یک ضایعه فرهنگی است، بلکه معرفی یک حوزه پژوهشی است. امید دارم در آینده نزدیک بینارشته‌ای مطالعات حافظه در ایران و حوزه مطالعات ضایعه فرهنگی با غنای پژوهشی بیشتر تثبیت و گسترش یابد.

نتیجه‌گیری

یادواره «آشویتس» امروز توسط قوانین بین‌المللی طوری تثبیت شده است که انکار آن در بسیاری از کشورهای اروپایی و آمریکای شمالی یک جرم تلقی می‌شود. این رخداد اروپایی به مدد مصنوعات فرهنگی دنیای جدید به یک ضایعه فرهنگی جهانی بدل شده است. اما نسل‌کشی مسیحیان در خاورمیانه نه تنها دهشتناک‌تر و در نوبت‌های بیشتر بوده بلکه تاثیر آن در اجتماع مسیحی ویران‌گرتر بوده است. در اثر این کشتارها ارمنیان در واحد سیاسی کوچک محاط در قفقاز یا در جوامع دور از وطن در سرتاسر اروپا و آمریکا ساکن شدند. جمعیت آشوریان کمتر از نصف شد و آنان هیچ سرزمینی در تقسیمات پس از جنگ پیدا نکردند. آنان مصداقی از مردمانی بی‌سرزمین شدند و مجبور به سکونت در جوامع دور از وطن سرتاسر اروپا و آمریکا شدند. سیاست حافظه منطقه‌ای، ملی و قومی مانع به رسمیت شناختن این کشتارها بالاخص «کشتار ارومیه» در بسیاری از کشورهای جهان شده است. «هویت آشوریان» متأثر از این رویدادها و پیامدهای مادی کشتار و قحطی شده است. اما هر تلاشی برای تعریف هویت با مقاومت‌هایی روبرو خواهد بود. به این دلیل که هویت دارای ذات ثابتی نیست. از طرفی، ضایعه فرهنگی رویدادی است که به‌طور مستقیم بر حافظه فرهنگی حک می‌شود. در نتیجه، این رویداد می‌تواند به‌طور پایدار یا موقت در حافظه جمعی گروه‌های فرهنگی یا ملل معنایی را تداعی کند. کتب تاریخی نه تنها به عنوان بخشی از حافظه فرهنگی، بلکه به عنوان تجلی از افکار عمومی گروه‌های فرهنگی/ملل قابل بررسی است. کشتار مسیحیان خاورمیانه در جنگ جهانی اول حاصل برهم‌ریختن روابط قدرت و هم‌زیستی میان اجتماعات مسلمانان با مسیحیان و ترک‌ها با آشوریان و ارمنی‌ها است. به این دلیل، در مطالعه کنونی بیست و نه منبع از زبان‌های انگلیسی، فارسی و کردی بررسی شده است. در روایت‌های متعددی این کتب به رمزگان‌هایی از هویت آشوریان دست یافتیم. روابط هم‌نشینی و جانشینی در میان روایت‌های خوارانگارانه، میانه و دشمن‌انگارانه برقرار است. در حقیقت، روایت خوارانگارانه شرانگاری مسلمانان، روایت میانه شرانگاری کردها و سپاهیان عثمانی، روایت دشمن‌انگارانه شرانگاری مسیحیان (آشوریان و ارمنی‌ها)، سپاهیان روس و انگلیس را نمایش می‌دهند. دال‌های متعدد این روایت‌ها بر اساس رمزگان‌های فریب خورده، بی‌دفاع، کافر و مزدور در محور هم‌نشینی قرار می‌گیرند. می‌توان ادعا کرد که هویت آشوریان بر این محورها در منابع بازنمایی شده است.

سپاسگزاری

از راهنمایی‌ها و لطف بی‌دریغ دکتر مهدی یوسفی و کمک‌های شایان دکتر رونالد توماس‌زاده و سروش بهامی در معرفی و ترجمه منابع انگلیسی، کردی و سریانی به فارسی کمال تشکر را داریم.

منابع

- اردوبادی، محمد سعید (۱۳۸۰). *سالهای خونین*، ترجمه علیرضا نقی پور، تهران: اختران.
- اسمیت، فیلیپ‌دانیل و رایلی، الگزنדר (۱۳۹۴). *نظریه فرهنگی*. ترجمه محسن ثلاثی، تهران: علمی، ۱۴۰-۱۳۸.
- انجمن آشوریان تهران (۶ اردیبهشت ۱۳۹۳). *تاریخچه انجمن آشوریان تهران*، بازیابی از انجمن آشوریان تهران به نشانی: <https://www.motva.ir/%D8%AF%D8%B1%D8%A8%D8%A7%D8%B1%D9%87-%D9%85%D8%A7.html>
- آبادیان، حسین و خسروزاده، سیروان (۱۳۹۲). *دنسترفورس: نخستین مداخله نظامی بریتانیا در قفقاز* (۲۴ بهمن‌ماه ۱۳۹۶ - ۲۳ شهریورماه ۱۳۹۷ هـ ش)، پژوهش‌های علوم تاریخی، (۲) ۵.
- آتابای، بدری (آذر ۱۳۵۵). *کتابخانه سلطنتی ایران*، یغما، سال ۲۹، شماره ۹.
- آدورنو، تئودوردیلیو و آرت، هانا (۱۳۹۶). *دو جستار پیرامون آشویتس*. ترجمه سارا اسکندری و رضا اسکندری، تهران: خرد سرخ.
- آزند، یعقوب (۱۳۹۱). *از کارگاه تا دانشگاه/پژوهشی در نظام آموزشی استاد - شاگردی و تبدیل آن به نظام دانشگاه در نقاشی ایران*، تهران: فرهنگستان هنر.
- آقاسی، مهدی (۱۳۵۰). *تاریخ خوی*، تبریز: دانشکده ادبیات و علوم انسانی تبریز.
- آگامین، جورج (۱۳۹۸). *باقی مانده‌های آشویتس (شاهد و بایگانی)*، ترجمه مجتبی گل‌محمدی، تهران: بیدگل، ۱۸.
- بارکر، کریس (۱۳۹۶). *مطالعات فرهنگی (نظریه و عملکرد)*، ترجمه مهدی فرجی و نفیسه حمیدی، تهران: پژوهشکده مطالعات فرهنگی اجتماعی وزارت علوم، تحقیقات و فناوری، ۵۲۱-۵۱۶ و ۳۸۷ و ۶۱۷.
- بیات، کاوه (۱۳۸۱). *ایران و جنگ جهانی اول (اسناد وزارت داخله)*، تهران: سازمان اسناد ملی ایران، ۳-۴۰۲.
- بیات، کاوه (۱۳۸۹). *نامه‌های ارومیه (اسناد و مکاتبات محمدصادق میرزا معزالدوله از حکومت ارومیه) شوال ۱۳۳۳ تا ربیع الاول ۱۳۳۴ هـ ق*، تهران: نشر و پژوهش فرزانه روز، دوازده، چهارده، شانزده، هفده، هجده.
- بیات، کاوه (۱۳۹۳). *تحریف تاریخ آذربایجان*، گفتگو، شماره ۶۵، ۱۴۹.
- تمدن، محمد (۱۳۵۰). *اوضاع ایران در جنگ اول (تاریخ رضاییه)*، تهران: موسسه مطبوعاتی تمدن.
- جانعلی‌زاده چوب‌بستی، حیدر؛ علیوردی‌نیا، اکبر و فرزید، محمدمهدی (۱۳۹۶). *جامعه‌شناسی حافظه جمعی: حوزه مطالعاتی پارادایمیک یا ناپارادایمیک؟. فصلنامه علمی پژوهشی راهبرد فرهنگ*، ۱۰(۴۰).
- جمالزاده، محمد (۱۳۶۲). *گنج شایگان*، تهران: کتاب تهران.
- ح‌م‌ه‌ش، سوران (۲۰۱۳). *کورد کییه؟ له نده ن*.
- خسروزاده، سیروان (۱۳۹۷). *راه بی سرانجام (نگاهی به سرگذشت آشوریان در جنگ جهانی اول)*، تهران: شیرازه، ۲۲-۱۷.
- دهقان، علی (۱۳۴۸). *سرزمین زردشت، ارومیه: ابن سینا*.
- ریلک، تراکل؛ سلان، پل (۱۳۸۳). *کتاب شاعران (گزیده اشعار و مقالات)*، ترجمه یوسف اباذری و مراد فرهادپور، تهران: فرخ نگار (وابسته به موسسه فرهنگی هنری کارنامه)، ۲۴۶.
- زکی‌بیگ، محمد امین (۱۳۸۰). *زبده تاریخ کرد و کردستان*، ترجمه بدالله روشن اردلان، تهران: توس.
- سیف، احمد (۱۳۷۸). *قرن گم شده (اقتصاد و جامعه ایران در قرن نوزدهم)*، تهران: نی.
- شیخ‌نوری، محمد امیر؛ نایب‌پور، محمد و خسروزاده، سیروان (۱۳۹۴). *فعالیت‌های سیاسی - نظامی مسیحیان و رقابت قدرت‌ها در غرب آذربایجان (۱۹۱۴م-۱۹۱۸)*، *دوفصلنامه علمی - پژوهشی پژوهشنامه تاریخ‌های محلی ایران*، ۴ (شماره اول - پیاپی ۷- پاییز و زمستان ۹۴).
- ططری، علی و نیکبخت، رحیم (۱۳۹۰). *تحولات غرب آذربایجان (به روایت اسناد مجلس شورای ملی دوره‌های سوم تا پنجم)*، تهران: کتابخانه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی.

- فوریسون، روبر (۱۳۹۶). *اتاق‌های گاز در جنگ جهانی دوم، واقعیت یا افسانه؟*. ترجمه ابوالفرید ضیاء‌الدینی، تهران: ضیاء اندیشه.
- کاکوویچ، ایوان (۱۳۸۴) *کوه سمل*، ترجمه ویلسان بت‌منصور، تهران: نشر تاریخ ایران.
- کتابی، احمد (تابستان ۱۳۹۳). *قحطی بزرگ و سراسری ۱۲۸۸ هـ-ق در ایران*، *مجله اطلاعات سیاسی-اقتصادی*، سال بیست و هشتم، شماره ۲۹۶.
- کتابی، احمد (۱۳۹۱) *درآمدی بر بررسی علل اجتماعی قحطی‌ها در ایران*، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، ۱۷۲-۱۷۰ و ۱۸۱-۱۷۸.
- کرزن، جورج ناتیل (۱۳۸۰). *ایران و قضیه ایران*، ترجمه غلامعلی وحید مازندرانی، تهران: علمی و فرهنگی.
- کسروی، احمد (۱۳۸۴) *تاریخ هجده هزار ساله آذربایجان*، جلد اول، تهران: امیر کبیر.
- کینان، درک (۱۳۹۰). *کردها و کردستان*، ترجمه ابراهیم یونسی، تهران: نگاه معاصر، ۱۵-۱۱۴.
- مالشویچ، سینیشا (۱۳۹۰). *جامعه‌شناسی قومیت*، ترجمه پیروز دلیرپور، تهران: آمه، ۲۲۳.
- مجد، محمدقلی (۱۳۸۶). *قحطی بزرگ*، ترجمه محمد کریمی، تهران: موسسه مطالعات و پژوهش‌های سیاسی، ۶۰-۵۸ و ۶۴-۶۶.
- مردوخ‌کردستانی، محمد (۱۳۸۲). *تاریخ کرد و کردستان*، سنندج: شوان.
- مرکز تحقیقات، مطالعات و مقالات آشور (۲۸ اسفند ۱۳۹۷). *سرنوشت بازماندگان امپراطوری آشور*، بازیابی از مرکز تحقیقات، مطالعات و مقالات آشور به نشانی: <http://ashour.ir/ContentDetails.aspx?ContentId=5186>
- معمدالوزاره، رحمت‌الله خان (۱۳۹۵). *ارومیه در محاربه عالم‌سوز*. تدوین کاوه بیات، تهران: شیرازه.
- مک داوول، دونالد (۱۳۸۳). *تاریخ معاصر کرد*، تهران: پانید.
- ملک زاده، الهام و همکاران (۱۳۹۲). *میزگرد بررسی قحطی بزرگ: هولوکاست ایرانی افسانه بود؟ پیامدهای جنگ جهانی اول و قحطی در ایران*، تهران: بازیابی از تاریخ ایرانی به نشانی:
- <http://www.ihcs.ac.ir/fa/news/6366/%D9%86%D8%B4%D8%B3%D8%AA%D8%AA%D8%AE%D8%B5%D8%B5%DB%8C%D9%BE%DB%8C%D8%A7%9%85%D8%AF%D9%87%D8%A7%DB%8C%D8%AC%D9%86%DA%A%D8%AC%D9%87%D8%A7%D9%86%DB%8C%D8%A7%D9%88%D9%84-%D9%88-%D9%82%D8%AD%D8%B7%DB%8C-%D8%AF%D8%BI-%>
- ملک‌زاده، الهام (آبان ۱۳۹۳). *قحطی بزرگ*، گفتگو، شماره ۶۵، ۱۴۳.
- موریس، هیشرا (الف) (۱۳۹۸). *خالکوب آشویتس*، ترجمه سودابه قیصری، تهران: ثالث.
- موریس، هدر (ب) (۱۳۹۸). *تتوکار آشویتس*، ترجمه بهنام بامداد، تهران: کتاب مرو.
- میروشنیکف، ایوانوویچ لو (۱۳۴۴). *ایران در جنگ جهانی اول*، ترجمه علی دخانیاتی، تهران: کتاب سیمرخ.
- مینورسکی، ولادمیر (۱۳۷۹). *گُرد، تاریخ، زبان و فرهنگ*، ترجمه حبیب‌الله تابانی، تهران: گستره.
- ناشناس (۱۳۵۹). *تراژدی‌های آشوری‌ها*، ترجمه یوناتن بنت کلیا، تهران: ایلونا.
- نبوی، حسین (۱۳۹۲). *به سوی درک زیباشناختی از فرهنگ: نظریه «برنامه‌ی قوی» در جامعه‌شناسی فرهنگی جفری الگزاندر*، *مطالعات جامعه‌شناختی (نامه علوم اجتماعی سابق)*، (۲) ۲۰.
- نیکیتین، بازیل (۱۳۶۵). *خاطرات و سفرنامه میسیونیکیتین*، ترجمه علی محمد فره‌وش، تهران: کانون معرفت، ۳۲-۲۰۷ و ۲۳۱.
- هماپونفرخ، رکن‌الدین (۱۳۴۷). *کتاب و کتابخانه‌های شاهنشاهی ایران*، تهران: وزارت فرهنگ و هنر.

abadiyan, H., & khosrozade, S. (2014). Dunsterforce: the 1st British Military Intervention in Caucasia (13 January-14 September 1918). *Historical Sciences Studies*, 5(2) (inPersian).

Adorno, T. W., & Arendt, H. (2017). *Two essays about Auschwitz*. translated by Sara Eskandari & Reza Eskandari. *Tehran: kherad-sorkh (inPersian)*.

- Agamben, G. (2019). *Remnants of Auschwitz: The witness and the archive*. translated by Mojtaba Golmohamadi. Tehran: bidgolpublishing(inPersian).
- Aghasi, M. (1971). *History of Khoy, Tabriz*: Publications of the Institute of History and Culture of Iran(inPersian).
- Ashur Research Center (2017). *The fate of the survivors of the Assyrian Empire*, retrieved from the Ashur Research Center at: <http://ashour.ir/ContentDetails.aspx?ContentId=5186>
- Assyrian Association of Tehran (May 6, 2013). *History of Tehran Assyrian Association*, retrieved from Tehran Assyrian Association at <https://www.motva.ir/%D8%AF%D8%B1%D8%A8%D8%A7%D8%B1%D9%87-%D9%85%D8%A7.html>
- Atabai, B. (1974). Fehrist-i muraqqat-i kitabkhana-i saltanati. *Tehran, Samshi, 1353*, 361 (inPersian).
- Azhand, Y. (2012). *From the workshop to the university (research on the teacher-apprentice educational system and its transformation into the university system in Iranian painting)*. Tehran: Farhangestan-e-Honar Publications(inPersian).
- Barker, C. (2017). *Cultural studies: Theory and practice*. translated by Mehdi Faraji & Yalda N. Hamidi. Tehran: *Institute for Social and Cultural Studies of the Ministry of Science, Research and Technology*, pp. 521-516 ,617 & 387 (inPersian).
- Bayat, K. (1990). Iran and the First World War. *Documents of the Ministry of Interior, Tehran*, PP 402-3(inPersian).
- Bayat, K. (2005). *Distortion of Azerbaijan's history*. Goftegoo, 65, 149(inPersian).
- Bayat, K. (2010). *Letters of Urmia (documents and correspondence of Mohammad Sadegh Mirza moezeldoleh from the government of Urmia)*. Edited by Kaveh Bayat.Tehran: farzanpublishers, PP Twelve, fourteen, sixteen, seventeen, eighteen(inPersian).
- Celan, P., & Trakl, G. (2004). *Book of Poets (selection of poems and articles)*. Translated by Yousef Abazari & Morad Farhadpour. Tehran: .karname, P 246(inPersian).
- Curzon, G. N. (2001). *Persia and the Persian Question*. Translated by Gholamali Vahid Mazandarani. Tehran: elmifarhangipub.
- Daniel, S. P. (2005). Cultural theory; an introduction, translated by Hasan Pouyan. *Dialog of Civilizations International Research Center*, pp. 138-40 (inPersian).
- Dehghan, A. (1969). Land of Zoroaster, Natural, Political, Economic, Cultural, Social and Historical Situation of Rezaieh (Urmia), 222. *Tehran: Ebn Sina(inPersian)*.
- Farrukh, H., al-Dīn, R., & Šārimī, A. Ṭ. (1968). History of books and the imperial libraries of Iran. (inPersian).
- Faurisson, R. (2017). *The Gas Chambers: Truth or Lie?*. Translated by Abolfarid Ziaoddini. Tehran: Zia Andisheh(inPersian).
- Jamalzadeh, M. A. (1983). Ganje Shayegan [The Treasure of Shayegan, the Economic Situation of Iran in the Beginning of the Twentieth Century]. *Tehran: Ketabe Tehran(inPersian)*.
- Janalizadeh Chub Basti, H., Aliverdina, A., & Farzbod, M. M. (2018). Sociology of Collective Memory: Paradigmatic or Nonparadigmatic Field of Study?. , 10(40), 37-7(inPersian).
- Kakovitch, I. (2005). *Mount Semele*. Translated by Wilson Bet-Mansour. Tehran: *Iran's history pub(inPersian)*.
- Kasravi, A. (1978). Eighteen-year history of Azerbaijan. *Tehran: Amirkabir(inPersian)*.
- Ketabi, A. (2012). *An introduction to the study of the social causes of famines in Iran*. Research Institute of Humanities and Cultural Studies, PP 170-2 & 178-81 (inPersian).
- Ketabi, A. (2014). The great famine of 1288 AH in Iran. *Political & Economic Ettelaat*, 28(296) (inPersian).
- Khosrozadeh, S. (2018). *The Endless Way (a look at the Assyrians' past in World War I)*. Tehran: shirazehketab, pp. 17-22 (inPersian).

- Kinnane, D. (2011). *The kurds and kurdistan*. Translated by Ebrahim Younesi. *Tehran: negahe moaser pub*, PP 114-15 (*inPersian*).
- Majd, M. G. (2007). *The Great Famine & Genocide in Iran: 1917-1919*. Translated by Mohammad Karimi. *Tehran: Institute of Political Studies and Research*, PP 58-60 & 64-66 (*inPersian*).
- Malekzadeh, E. (2014). Great famine. *Goftegoo*, 65, 143 (*inPersian*).
- Malekzadeh, E., & et al., (2012). Great Famine Review Round Table; Was the Iranian Holocaust a myth? Consequences of World War I and Famine in Iran, Tehran: Recovery from Iranian History to: <http://www.ihcs.ac.ir/fa/news/6366/%D9%86%D8%B4%D8%B3%D8%AA%D8%AA%D8%AE%D8%B5%D8%B5%DB%8C%D9%BE%DB%8C%D8%A7%9%85%D8%AF%D9%87%D8%A7%DB%8C%D8%AC%D9%86%DA%A%D8%AC%D9%87%D8%A7%D9%86%DB%8C%D8%A7%D9%88%D9%84-%D9%88-%D9%82%D8%AD%D8%B7%DB%8C-%D8%AF%D8%B1-%>
- Malešević, S. (2011). *The sociology of ethnicity*. Translated by Parviz Delirpour. *Tehran: Ame pub*, P 223 (*inPersian*).
- Mardukh, M. (1972). *Tarikh-e-Kurd va Kurdistan (the history of Kurds and Kurdistan)*. *Sanandaj, Qkariqhi* (*inPersian*).
- McDowall, D. (2004). *A modern history of the Kurds. kurds and kurdistan*. Translated by Ebrahim Younesi. *Tehran: paniz pub* (*inPersian*).
- Minorsky, V. F. (2000). *Kurdish: history, language and culture*. Translated by Habibullah Tabani. *Tehran: gostarehpub* (*inPersian*).
- Miroshnikov, L. I. (1965). *Iran in World War I: Lectures Read at Harvard University in November 1962*. Translated by Ali Dokhaniyati. *Tehran: simurgh book* (*inPersian*).
- Morris, H. (2019)(a). *The Tattooist of Auschwitz: the heartbreaking and unforgettable bestseller*. Translated by Sudabeh Ghaisari. *Tehran: salesspublication* (*inPersian*).
- Morris, H. (2019)(b). *The Tattooist of Auschwitz: the heartbreaking and unforgettable bestseller*. Translated by Behnam Bammad. *Tehran: Marv Kitab* (*inPersian*).
- motamed alvozāreh, R. (2016). *Urmia in the war of the burning world*. Edited by Kaveh Bayat. *Tehran: shirazehketab* (*inPersian*).
- nabavi, H. (2014). Towards aesthetic understanding of Culture: Jeffrey Alexander's 'Strong program' theory in 'Cultural Sociology'. *Sociological Review*, 20(2), 9-43. doi: [10.22059/jsr.2014.56268](https://doi.org/10.22059/jsr.2014.56268)
- Nikitin, B. (1986). *Monsieur Nikitin's memoirs and travelogue*. Translated by Ali Mohammad FarahVash. *Tehran: Marafet Publishing Center*, PP 207-32 (*inPersian*).
- Ordubadi, M. S. (2001). *Years of blood: a history of the Armenian-Muslim clashes in the Caucasus, 1905-1906*. translated by Alireza Naqipour. *Akhtaranbook* (*inPersian*).
- Seyf, A. (1999). *The Lost Century: Economy and Society of Iran in the 19th Century*. *Tehran: Ney* (*inPersian*).
- Sheikh Nouri, M. A., Naibpour, M., & Khosrozadeh, S. (2016). "Christian Political – military activities" and The Competition of Powers in the West Azarbaijan (1914-1918). *Research Journal of Iran Local Histories*, 4(1) (*inPersian*).
- Tamadon, M. (1971). *Iran's situation in the first war (Rezaiyeh history)*, *Tehran: Tamdan Press Institute* (*inPersian*).
- Ttari, A. & Nikbakht, R. (2011). *Developments in West Azerbaijan: according to the documents of the National Council of the third to fifth periods*. *Tehran: Islamic Council Library and Documents Center* (*inPersian*).

- Unknown. (1980). *Assyrian tragedies*. Translated by Yonathan Betkolia. *Tehran: Ilona(inPersian)*.
- Zaki, M. A. (2001). *The Summarized Book on Kurdish History and Kurdistan*. Translated by Yadullah Roshan-Ardalan. *Tehran: Toos (inPersian)*.
- Akçam, T. (2007). *A shameful act: The Armenian genocide and the question of Turkish responsibility*. Macmillan.
- Alexander, J. C. (2003). *The meanings of social life: A cultural sociology*. Oxford University Press, USA, pp. 109-11.
- Alexander, J. C. (2013). *Trauma: A social theory*. UK: Polity Press (pp. 6,7,26-8).
- Alexander, J. C., & Smith, P. (2010). *Handbook of Cultural Sociology*. In J. R. Hall, L. Grindstaff, & M. c. Lo, *The Strong Program(Origins, achievements, and prospects) (J. R. Hall , L. Grindstaff, & M. c. Lo, Trans., p. 19)*. London, UK: Routledge.
- Alexander, J. C., Eyerman, R., Giesen, B., Smelser, N. J., & Sztompka, P. (2004). *Cultural trauma and collective identity*. Univ of California Press.
- Assyrian Universal Alliance. (2018). *Assyrian genocide*. Retrieved from Assyrian Universal Alliance: <http://aua.net/?s=Assyrian+genocide&paged=2>
- BetGivargis_McDanie, M. (2007). *Assyrians of New Britain*. Charleston, South Carolina, USA: Arcadia Pub.
- Bloxham, D., & Kushner, T. (2001). *Genocide on trial: war crimes trials and the formation of Holocaust history and memory*. Oxford University Press.
- Burke, P. (2011). History as Social Memory. In J. K. Olick, V. V. Seroussi, & D. Levy (Eds.), *The Collective Memory Reader* (p. 188). Oxford, UK: Oxford University Press.
- DeKelaita, R. (1923). In M. Zonis (Ed.), *The Origins and Development of Assyrian Nationalism* (pp. 1,3,7,15,17). Chicago, USA: University of Chicago, (submitted to the Committee on International Relations). Retrieved from www.aina.org
- Donabed, S., & Donabed, N. (2006). *Assyrians of eastern Massachusetts*. Arcadia Publishing.
- Donef, R. (2014). *The Hakkari Massacres: Ethnic cleansing by Turkey 1924-25*.
- Eyerman, R. (2003). *Cultural trauma: Slavery and the formation of African American identity*. Cambridge University Press, pp. 5-9.
- Eyerman, R., Alexander, J. C., & Breese, E. B. (2015). *Narrating trauma: on the impact of collective suffering*. Routledge.
- Finney, P. (2010). *Remembering the road to World War Two: International history, national identity, collective memory*. Routledge.
- Fromkin, D. (2001). *A peace to end all peace: The fall of the Ottoman Empire and the creation of the modern Middle East*. Macmillan.
- Gaunt, D. (2006). *Massacres, Resistance, Protectors: Muslim-Christian Relations in Eastern Anatolia during World War I*. Gorgias Press.
- Gaunt, D., Atto, N., & Barthoma, S. O. (Eds.). (2017). *Let Them Not Return: Sayfo–The Genocide Against the Assyrian, Syriac, and Chaldean Christians in the Ottoman Empire* (Vol. 26). Berghahn Books.
- Ghassemlou, A. R. (1965). *Kurdistan and the Kurds*. Prague: Publishing House of the Czechoslovak Academy of Sciences (p 53).
- Giesen, B., & Eisenstadt, S. N. (2015). *Triumph and trauma*. Routledge
- Giesen, B., & Schneider, C. (2004). Tätertrauma: nationale Erinnerung im öffentlichen Diskurs.
- Jacobs, J. (2010). *Memorializing the Holocaust*. IB Tauris & Company Limited.
- Khosroeva, A. (2017). The Assyrian genocide in the Ottoman Empire and adjacent territories. In *The Armenian Genocide: Wartime Radicalization or Premeditated Continuum* (pp. 267-274).
- Müller, J. W., & Mueller, J. W. (Eds.). (2002). *Memory and Power in Post-war Europe: Studies in the Presence of the Past*. Cambridge University Press.
- Naayem, J. (2012). *Shall this Nation Die?*. Gorgias Press.
- Naby, E. (1977). The Assyrians of Iran: Reunification of a " Millat," 1906-1914. *International Journal of Middle East Studies*, 8(2), 237-249.
- Olick, J. K. (2013). *The politics of regret: On collective memory and historical responsibility*. Routledge.
- Olick, J. K. (2016). *The sins of the fathers: Germany, memory, method*. University of Chicago Press.

- Olick, J. K., Adams, J., Steinmetz, G., Corney, F. C., & Zamponi, S. F. (2003). *States of memory: Continuities, conflicts, and transformations in national retrospection*. Duke University Press.
- Olick, J. K., Vinitzky-Seroussi, V., & Levy, D. (Eds.). (2011). *The collective memory reader*. Oxford University Press.
- Perkins, J. (2012). *A residence of eight years in Persia, among the Nestorian Christians: with notices of the Muhammedans*. Dalton House, Massachusetts, USA: Forgotten Books.
- Riggs, H. H. (1997). *Days of Tragedy in Armenia: Personal Experiences in Harpoot, 1915-1917*. Gomidas Institute.
- Rockwell, W. W. (1916). *The Pitiful Plight of the Assyrian Christians in Persia and Kurdistan: Described from the Reports of Eye-witnesses* (Vol. 44). American Committee for Armenian and Syrian Relief.
- Shahbaz, Y. (2006). *The Rage of Islam: An Account of the Massacres of Christians by the Turks in Persia*. Gorgias Press.
- Shoumanov, V. (2001). *Assyrians in Chicago*. Arcadia Publishing.
- Stafford, R. S. (2006). *The tragedy of the Assyrians*. Gorgias Press (pp. 151-2).
- Stepo, R. B., Adorno, T. W., & Adorno, J. K. (2010). *Guilt and defense: on the legacies of national socialism in postwar Germany*. Harvard University Press.
- Travis, H. (2010). Genocide in the Middle East: The Ottoman Empire, Iraq, and Sudan (pp. 237-77, 293-294).
- Werda, R. J. E. (1924). The Flickering Light of Asia. *Aina. org. Assyrian International News Agency*(p138).
- Yacoub, J. (2016). *Year of the Sword: The Assyrian Christian Genocide, a History*. Oxford University Press.
- Yohannan, A. (2017). *The Death of a Nation: Or, The Ever Persecuted Nestorians Or Assyrian Christians*. Dalton House, Massachusetts., USA: Forgotten Books.
- Zehfuss, M. (2007). *Wounds of memory: The politics of war in Germany* (pp. 116-121). Cambridge: Cambridge University Press.
- Zirinsky, M. (1998). American presbyterian missionaries at Urmia during the Great War. *J Assyriol Stud*, 6, 12-27.